

Prospects for the EU's Position in the Global Political Economy in 2050

Hossein Salimi

Professor of International Relations, Allameh Tabataba'i University,
Tehran, Iran, Salimi@atu.ac.ir

Mohaddese Heidari

Corresponding Author, Ph.D of International Relations, Allameh
Tabataba'i University, Tehran, Iran, Mohaddese_heidari@atu.ac.ir

Abstract:

While at the beginning of the century, the European Union was considered as one of the most important patterns of regional convergence, faced with several crises over the past decade. These crises have caused doubt on the future of the European Union. This article seeks to answer the question, what are the scenarios for the EU in the 2050 perspective? 4 scenarios have been posed in response to the question. The Ideal World is probable scenario. In this scenario, the volume of the union's investment in different parts of the world, the development of key technologies, the increase of economic relations with other actors of the international system, the organization's influence in the regions with the most gas resources, gold, etc., including Africa and Eurasia are considered as drivers Which will turn the union into a major economic-political power in 2050. The theoretical framework of the article is Institutionalism. Futures research methods are scenario writing (GBN) and Mactor. In addition, expert panels and Brainstorming sessions are used to collect data. About the structure of the article, it should be noted that, at first theoretical framework (Institutionalism) is addressed and then the most important actors are identified based on the Mactor and in the third step, the scenarios are extracted based on the GBN method.

keywords: European Union, Global Political Economy, Global Business Networking, Futurism, Institutionalism, Mactor

دورنمای جایگاه اتحادیه اروپا در اقتصاد

سیاسی جهانی در ۲۰۵۰

حسین سلیمی

استاد روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
Salimi@atu.ac.ir

محدثه حیدری

نویسنده مسئول، کاندیدای دکتری روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
Mohaddese_heidari@atu.ac.ir

چکیده

بعد از جنگ جهانی دوم، کشورهای اروپایی درصدد برآمدند تا جهت ممانعت از تکرار تجربه تلخ دو جنگ جهانی به همکاری با یکدیگر بپردازند. بنابراین از سال ۱۹۵۷ روند همگرایی آغاز شد. علی‌رغم آن که در آغاز هزاره میلادی تصور می‌شد اتحادیه اروپا یکی از مهم‌ترین نمادهای همگرایی منطقه‌ای در جهان است، در طی یک دهه گذشته با بحران‌های متعددی مواجه شد و تردیدهایی در مورد آینده اتحادیه اروپا به وجود آمد. این مقاله درصدد پاسخ به این پرسش است که در دورنمای ۲۰۵۰ نظر به بحران‌های مذکور، چه سناریوهایی برای اتحادیه اروپا متصور است؟ ۴ سناریو در پاسخ به این پرسش مطرح شده‌اند که سناریوی جهان مطلوب، سناریوی محتمل است. در این سناریو، حجم سرمایه‌گذاری اتحادیه در مناطق مختلف جهان، توسعه فناوری‌های کلیدی، افزایش مناسبات اقتصادی با سایر کنشگران نظام بین‌الملل، نفوذ این سازمان در مناطق دارای بیشترین منابع گازی، طلا و... به‌عنوان پیش‌رانی‌هایی ارزیابی شده‌اند که اتحادیه را در ۲۰۵۰ به یک قدرت بزرگ اقتصادی-سیاسی مبدل خواهند ساخت. چارچوب نظری مقاله نیز نهادگرایی است و در این نوشتار از روش‌های آینده‌پژوهی از جمله سناریونویسی (جی بی ان) و مکتور (Mactor) استفاده شده است. به‌علاوه از دیده‌بانی، برگزاری پنل‌های خبرگی و جلسات طوفان فکری برای جمع‌آوری و تحلیل بهره گرفته شده است. در رابطه با سازمان‌دهی لازم به‌ذکر است که در ابتدا به چارچوب نظری (نهادگرایی) پرداخته

شده و سپس بر اساس روش مکتور مهم‌ترین کنشگران شناسایی شده‌اند و در گام سوم بر اساس روش جی بی ان (بومی‌سازی شده) سناریوها استخراج شده‌اند.

کلمات کلیدی: اتحادیه اروپا، اقتصاد سیاسی جهانی، شبکه جهانی کسب و کار،

آینده پژوهی، نهادگرایی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۱۲/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۳



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

بعد از جنگ جهانی دوم، کشورهای اروپایی در صدد برآمدند تا جهت جلوگیری از تکرار تجربه تلخ جنگ و خسارات ناشی از آن به همکاری با یکدیگر بپردازند. بنابراین از سال ۱۹۵۷ گام به گام در مسیر همگرایی پیش رفتند. با پیوستن اعضای جدید و تقویت توان اقتصادی و امنیتی، اتحادیه اروپا توانست علاوه بر مقابله با تهدیدات متوجه کشورهای عضو، نقش بسزایی در تحولات بین‌المللی ایفا کند و از قدرت اقتصادی برای ایجاد توازن در برابر آمریکا و سایر قدرت‌های جهانی بهره برد. به‌رغم موفقیت‌هایی که اتحادیه اروپا در سال‌های گذشته در حوزه‌های مختلف داشته است، در طی سال‌های اخیر با خروج انگلستان (برگزیت)، بحران اقتصادی، افزایش نرخ بیکاری، بحران مهاجرت، بحران هویت و افزایش جنبش‌های راست افراطی و... تردیدهایی در رابطه بقای اتحادیه به وجود آمده است و سناریوهای مختلفی در مورد آینده آن مطرح شده‌اند. در حالی که بسیاری از متخصصان روند اضمحلال را به‌عنوان یک سناریوی قوی برای آینده اتحادیه مد نظر قرار می‌دهند، برخی دیگر بحران‌های موجود را به‌عنوان چالشی می‌نگرند که اروپا از عهده مدیریت آن نخواهد آمد و نباید نگران آینده و آغاز روند واگرایی در آن بود. این نوشتار به دنبال پاسخ به این پرسش است که اتحادیه اروپا در دورنمای ۲۰۵۰ چه جایگاهی در اقتصاد سیاسی جهانی خواهد داشت؟ برای پاسخ به این پرسش با استفاده از روش جی بی ان، مکتور و پنل خبرگی (از جمله متدهای آینده‌پژوهی)، تلاش خواهد شد سناریوها استخراج شوند. در راستای غنای بحث از بروزترین و جدیدترین داده‌های موجود در اندیشکده‌ها، مراکز اقتصادی و مطالعاتی استفاده خواهد شد. در رابطه با سازمان‌دهی مقاله، این

نکته شایان ذکر است که در ابتدا مروری خواهیم داشت بر چارچوب نظری (نهادگرایی) و سپس کنشگران، پیشران‌ها، عدم قطعیت‌های کلیدی و سناریوها استخراج خواهند شد. در نهایت بر اساس نتایج به دست آمده به جمع‌بندی خواهیم پرداخت.

۱- چارچوب نظری

نهادگرایی لیبرال بر مفروضاتی چون تقدم افراد و گروه‌های خصوصی، وجود آنارشی و وابستگی متقابل به عنوان ویژگی‌های اصلی نظام بین‌الملل و نقش محوری که نهادها در مدیریت تعامل دولت‌ها ایفا می‌کنند، تأکید دارد. نهادگرایان همچنین به نقش نیرومندی که وابستگی متقابل در ساختار انگیزه‌های دولت‌ها و شکل دادن به رفتار آن‌ها دارد، توجه دارند. از دیدگاه آنان، جریان کالاها، سرمایه، مواد اولیه و مردم به نفع همه کشورهای درگیر است و وابستگی متقابل می‌تواند برخی از تأثیرات آنارشی را کاهش دهد. وابستگی متقابل انگیزه‌های دولت‌ها را برای حل مشکلات مشترک و تحقق منافع مشترک از طریق همکاری افزایش می‌دهد (Milner, 2009, p.17). از دیدگاه این نظریه‌پردازان، نهادها می‌توانند بر عدم قطعیت در مورد ترجیحات و اهداف دولتی که اغلب تلاش برای همکاری را تضعیف می‌کند، غلبه کنند (Keohane and Martin 1995, p.34). نهادها با گسترش افق‌های زمانی، ترویج عمل متقابل، کاهش هزینه‌های معاملاتی، معرفی مکانیسم‌های اجرایی و معتبرتر ساختن تعهدات، همکاری بین دولت‌ها را تسهیل می‌کنند. در بین نهادگرایان دو دیدگاه متفاوت در مورد دورنمای اتحادیه اروپا وجود دارد که در این نوشتار در قالب لیبرال‌های خوشبین و بدبین تقسیم‌بندی شده‌اند.

۱-۱- نظریه‌پردازان خوشبین

این دسته از نظریه‌پردازان؛ سه دلیل را شنا سایی می‌کنند که به تقویت و بقای احتمالی پروژه اروپا کمک می‌کنند: سطح بالایی از وابستگی اقتصادی، شبکه‌ای متراکم از نهادها؛ و تعهد مشترک به اصول دموکراتیک در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا. آن‌ها معتقدند این عناصر به هم پیوسته و متقابل تقویت می‌شوند و هرگونه شکاف در اتحادیه را پرهزینه و دشوار می‌سازند.

۱-۱-۱. سطح بالایی از وابستگی اقتصادی

از دیدگاه این نظریه پردازان، طبق گفته اصلی ترین معماران اولیه اتحادیه و سایر طرفداران همگرایی اروپا، همگرایی اقتصادی پس از جنگ نه تنها نوعی گسست از چرخه معیوب جنگی بود که قرن ها اروپا را آزار می داد، بلکه امکان دستیابی به سطوح بی سابقه ای از رونق اقتصادی، آسایش مادی و ثبات سیاسی را نوید می داد (Monnet, 1978, p: 20). به علاوه، عمق و مقیاس همگرایی اقتصادی در میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا بسیار زیاد است، به همین دلیل سرنوشت اقتصادی آنها تا حدی بی سابقه در هم تنیده است (König and Ohr, 2013, p).

۱-۱-۲. شبکه ای متراکم از نهادها

خوش بینان نهادگرا علاوه بر وابستگی متقابل اقتصادی که امروز به اعضای اتحادیه اروپا الزام آور است، همچنین بر نقش نهادهای منطقه ای و بین المللی به عنوان نیرویی برای اتحاد اتحادیه اروپا تأکید می کنند. نهادها هسته اصلی پروژه اروپا را تشکیل می دهند و اولین گام برای ادغام اروپا ایجاد یک نهاد چندملیتی هستند (Gillingham 1991, p.15). اروپا امروز متراکم ترین منطقه در جهان است. کشورهای اتحادیه اروپا حاکمیت خود را به طور کامل یا جزئی به نهادهای فراملی در تعدادی از زمینه های سیاست، از جمله سیاست پولی، مذاکرات تجاری، حمایت از محیط زیست و مصرف کننده و حتی امنیت و دفاع تسلیم کرده اند.

۱-۱-۳. دموکراسی

به زعم نظریه پردازان خوش بین، سومین عنصری که اتحادیه اروپا را متحد نگه می دارد، ارزش های مشترک دموکراتیک و سیستم های سیاسی است. همان طور که والاس تیز استدلال می کند، "یک سازمان بین دولتی کاملاً متشکل از کشورهای لیبرال دموکراتیک، مقاومت و قدرت ماندگاری چشمگیری از خود نشان خواهد داد" (Thies 2012, p. 228). از زمان پایان جنگ جهانی دوم و به ویژه پس از پایان جنگ سرد، همگرایی قابل توجهی به سمت لیبرال دموکراسی در سراسر قاره اروپا وجود داشته است (Müller, 2011, p.21).

۱-۲- نظریه پردازان بدبین

استدلال این گروه نیز بر اساس تأثیرات همگرایی و ادغام اقتصادی، ساختار نهادی اتحادیه اروپا و پویایی سیاسی داخلی در کشورهای عضو است. این طیف از اندیشمندان مدعی هستند که نه تنها همگرایی و ادغام نوعی درمان برای بسیاری از مشکلات اروپا نبوده بلکه خود مجموعه‌ای از چالش‌ها و مشکلات را ایجاد کرده است.

۱-۲-۱- عوامل منفی مؤثر بر همگرایی اتحادیه

از دیدگاه این گروه، همگرایی اقتصادی در اروپا به جای تسهیل یک سلسله عوامل مثبت مثل رشد اقتصادی بالاتر، افزایش سطح رفاه زندگی، سیاست‌های دموکراتیک و تعمیق ادغام سیاسی در میان کشورهای عضو اتحادیه، اثرات زیان‌بار و منفی را موجب شده است که انسجام سیاسی آن را تهدید می‌کند. امروزه، همان‌طور که یکی از مفسران می‌گوید، "وابستگی متقابل منبع نگرانی و درگیری است زیرا مردم نگران بی‌ثباتی مالی یورو، دامپینگ اجتماعی در نتیجه سفرهای بدون مرز و تروریسم هستند" (Leonard, 2017, p.33). از دیدگاه آنها منطقه یورو هنوز معیارهای یک منطقه بهینه ارزی را برآورده نکرده است. تقریباً دو دهه پس از معرفی یورو به‌عنوان پول واحد اروپایی، اختلافات در هزینه‌های عمومی، رقابت، هزینه‌های نیروی کار و تورم در میان کشورهای منطقه یورو همچنان ادامه دارد؛ و به دلیل تحرک محدود کار، انتقال مالی و دستمزد و قیمت انعطاف‌ناپذیر، تأثیر شوک‌های اقتصادی خارجی در منطقه یورو به‌طور متفاوتی احساس شده است (Johnston, 2016, p.4).

۱-۲-۲- آسیب‌پذیری و خطرات سیستمیک

اتحادیه اروپا به‌طور پیوسته پیچیده‌تر شده و "کاملاً" درهم‌آمیخته است و این باعث شده است که به‌طور فزاینده‌ای در برابر آنچه چارلز پرو برای آن حوادث "عادی" نامیده است آسیب‌پذیر باشد (Perrow 1999, p.14). اتحادیه اروپا با بسیاری از قسمت‌های به‌هم‌پیوسته خود یک سیستم پیچیده است. این امر نیاز به هماهنگی فوق‌العاده‌ای در زمینه‌های مختلف از جمله در زمینه تجارت، اقتصاد کلان، رقابت، حمل‌ونقل و سیاست‌های نظارتی دارد. (Guillén 2015, p.3 133). اتحادیه اروپا در نتیجه گسترش خود، امروز شاهد تنوع بسیار بیشتری از کشورهای عضو است.

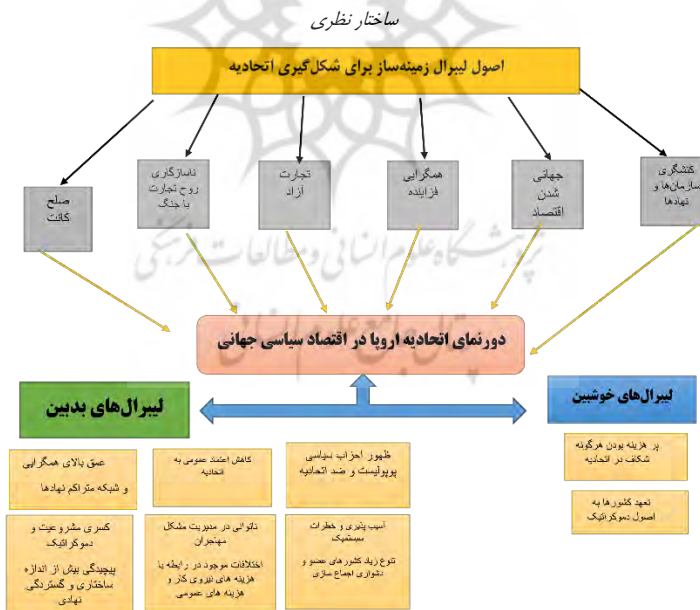
1 Charles Perrow

2 normal (or system) accidents

با وجود چنین طیف متنوعی، تصمیم‌گیری اغلب به‌طور فزاینده‌ای دشوار و طولانی می‌شود (Alesina, Tabellini, and Trebbi 2017, p.11).

۳-۲-۱- کاهش اعتماد عمومی به اتحادیه اروپا

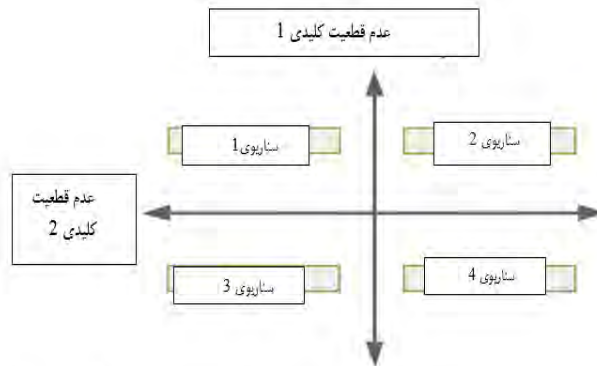
برخی از لیبرال‌های بدبین همچنین استدلال می‌کنند که اتحادیه اروپا به‌طور فزاینده‌ای از مخدوش شدن و از دست رفتن اعتماد و اعتبار عمومی رنج می‌برد و این پروژه همگرایی نمی‌تواند مانند گذشته شور و شوق در بین شهروندان اتحادیه اروپا ایجاد کند (Zielonka 2018, p.7). جفری فریدن می‌نویسد که در پی بحران منطقه یورو، به‌ویژه در میان کارگران فقیر، تحصیل‌کرده و ماهر و همچنین کارگران در کشورهای بدهکار، اعتماد به اتحادیه اروپا کاهش یافته است (Frieden 2016, 18). بسیاری از اروپایی‌ها توجیهات سنتی همگرایی اروپا - صلح و رفاه - را نسبت به گذشته کمتر قانع‌کننده می‌دانند (Denison, Leonard, and Lury 2019, 37). به‌طور خاص، در طی سال‌های اخیر حمایت از احزاب و جنبش‌های سیاسی پوپولیست، راست افراطی و ضد اتحادیه اروپا در سراسر اروپا افزایش یافته است (Golder, 2016, p.12).



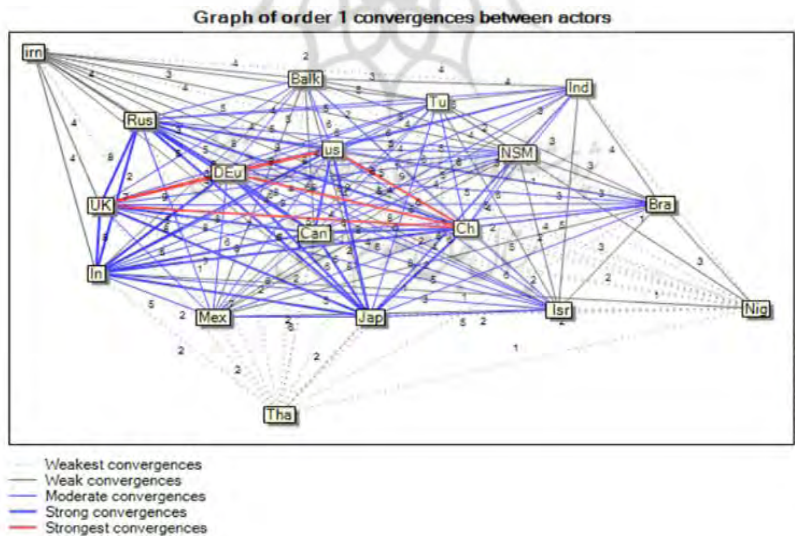
۲. روش پژوهش

روش جی بی ان (شبکه جهانی کسب و کار) اولین بار توسط پیتر شوارتز مطرح شد. از دیدگاه وی سناریونویسی یک هنر است نه یک علم (Schwartz, 1996, p.32) و محقق برای رسیدن به سناریو با چند مرحله را طی کند. نسخه بومی سازی شده جی بی ان، تغییراتی جزئی جهت اصلاح برخی از کاستی‌های روش شوارتز ایجاد کرده است و در آن چند گام باید برای رسیدن به سناریو باید طی شوند که عبارتند از: ۱. شنا سایی کنشگران، ۲. شنا سایی فاکتورهای کلیدی، ۳. شنا سایی پیرانشان، ۴. تعیین عدم قطعیت‌ها و نهایتاً ۵. نگارش سناریوها.

در این نوشتار در بخش کنشگران از روش مکتور برای شناسایی کنشگران استفاده می‌شود. مکتور یکی از روش‌های آینده‌پژوهی شناسایی کنشگران در مکتب لابرا سپکتیو^۱ است که به وسیله آن سطح همگرایی اتحادیه اروپا با سایر کنشگران اقتصاد سیاسی جهانی در دورنمای ۲۰۵۰ سنجیده می‌شود و بر اساس خروجی نرم افزار و پنل‌های خبرگی مهم‌ترین کنشگرانی که در دورنمای مذکور بیشترین همگرایی را با اتحادیه اروپا به لحاظ هدف دارند شناسایی می‌شوند. منظور از همگرایی یکی بودن و تشابه اهداف و اقدامات این کنشگران است که این امر سبب افزایش سطح رقابت بین آن‌ها می‌شود. در گام دوم فاکتورهای کلیدی (Critical Success Factors) شنا سایی می‌شوند. در راستای تعیین فاکتورهای کلیدی نیز از یک رویکرد متداول به نام «تحلیل استیپ» که روشی تحلیلی و نوعی ابزار ساختاربندی محسوب می‌شود، استفاده می‌شود. این نکته شایان ذکر است که به لحاظ وزنی فاکتورهای کلیدی از وزن بیشتری در مقایسه با فاکتورهای اصلی برخوردارند (میتزبرگ، ۲۰۰۷: ۳۷).



در گام سوم نیز در ابتدا پیشران‌های کلیدی بر اساس مطالعات اسنادی و همین‌طور دیدگاه‌های خبرگان شناسایی می‌شوند و سپس پیشران‌ها در قالب جداولی در اختیار خبرگان قرار می‌گیرند تا بر حسب میزان اهمیت و میزان عدم قطعیت به آنها امتیاز داده شود. پیشران‌هایی که بیشترین امتیاز اهمیت و کمترین امتیاز عدم قطعیت را کسب کنند، به‌عنوان عدم قطعیت‌های کلیدی شناسایی می‌شوند و نهایتاً از ترکیب دو عدم قطعیت کلیدی ۴ سناریو به دست خواهند آمد. سپس روایت سناریوها در قالب داستانی نوشته خواهند شد.



۳. کنشگران

پس از بررسی شاخص‌های اقتصادی کنشگران مختلف اعم از نیروی انسانی، قدرت ترانزیتی، دسترسی به منابع انرژی، تولید ناخالص داخلی، امنیت اقتصادی و... در جلسات پنل خبرگی، ۱۷ کنشگر شناسایی شدند. بر اساس موارد مذکور ۴۰۰ پرسش کلیدی مورد نیاز نرم‌افزار، در پرس آنلاین طراحی شد و در اختیار همه خبرگان اعم از حاضرین در پنل و سایرین قرار گرفت. از نرم‌افزار چندین خروجی گرفته شد که ارائه همه خروجی‌ها نیازمند نگارش یک مقاله مجزاست. به‌طور کلی بر اساس نمودار همگرایی^۱ به دست آمده از نرم افزار، اتحادیه اروپا در دورنمای ۲۰۵۰ بیشترین همگرایی را با انگلستان، آمریکا، کانادا، چین، هند، روسیه و ژاپن خواهد داشت. هر کدام از کشورهای مذکور تمایل به نقش‌آفرینی و تصاحب سهم بیشتری از اقتصاد سیاسی جهانی در افق ۲۰۵۰ دارند.

به‌طور خلاصه بر اساس داده‌های به دست آمده از نرم افزار و بررسی دیدگاه خبرگان، ایالات متحده آمریکا که اکنون بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی و نظامی جهان است و ۱۰۶ تریلیون دلار از ثروت جهان را در اختیار دارد که برابر با ۴۰.۲۹٪ از سهم کل جهان است، در دورنمای ۲۰۵۰ همچنان قدرت برجسته‌ای در اقتصاد سیاسی جهانی خواهد بود (visualcapitalist, 2020).

انگلستان نیز در بلندمدت با متوسط رشد سالانه ۱.۹٪ می‌تواند سریع‌ترین رشد اقتصادی G7 تا سال ۲۰۵۰ را داشته باشد. طبق جدیدترین پیش‌بینی مؤسسه پرایس واترهاوس کوپرز^۲، رشد اقتصادی بلندمدت انگلیس می‌تواند از کشورهای اتحادیه اروپا مانند آلمان، فرانسه و ایتالیا جلوتر باشد (The Guardian, 2021).

کانادا با ۱.۷۴ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۹ (World Bank, 23 Dec 2020) یک رقیب جدی در اقتصاد سیاسی جهانی برای اتحادیه اروپا دورنمای خواهد بود. روابط نزدیک کانادا با ایالات متحده به این معنی است که این کشور عمدتاً به موازات بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان توسعه یافته است (CIA Factbook, 2021). چین نیز انتظار می‌رود در دورنمای ۲۰۵۰ از ایالات متحده پیشی

1 Convergence

همگرایی به معنای میزان تشابه اهداف این کنشگران در دورنمای مذکور و در نتیجه سطح بالای رقابت بین آنهاست.

2 Price Water House Coopers

بگیرد و ممکن است در مسیر تبدیل شدن به بزرگ‌ترین اقتصاد جهان با تولید ناخالص داخلی اسمی در سال‌های آینده باشد (World Bank, 2020).

همچنین طبق گزارش جهانی شرکت خدمات حرفه‌ای بین‌المللی PwC، در سال ۲۰۵۰ انتظار می‌رود هند به‌عنوان دومین کشور پرجمعیت جهان با رشد ۵ درصدی متوسط تولید ناخالص داخلی در سال، رشد چشمگیری داشته باشد. حتی پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ میلادی، هند از آمریکا هم پیشی بگیرد و دومین اقتصاد بزرگ جهان شود (Careeraddic, 2020).

ژاپن نیز که در حال حاضر سومین اقتصاد بزرگ جهان است. تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۹ از مرز ۵ تریلیون دلار عبور کرد (World Bank, 2020) و بعد از چین به‌عنوان دومین اقتصاد، مرکز تولید و صادرکننده بزرگ در آسیا و اقیانوسیه شناخته می‌شود (PWC, 2020) انتظار می‌رود در دهه ۲۰۵۰ یک رقیب جدی اتحادیه اروپا در اقتصاد سیاسی جهانی باشد. در مورد روسیه نیز نخبگان معتقدند، در مسیر پیشی گرفتن از آلمان، بزرگ‌ترین اقتصاد اتحادیه اروپا قرار دارد و حتی ممکن است پیش از ۲۰۵۰ به بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا تبدیل شود (CIA World Factbook, 2020).

این نکته شایان ذکر است که بر اساس خروجی دریافت شده از نرم‌افزار و پنل خبرگی، ۱۱ کشور از اروپای شرقی که به تازگی به عضویت اتحادیه در آمده‌اند. و کشورهای بالکان غربی به‌عنوان کنشگران برجسته‌ای ارزیابی شده‌اند که حضورشان در اتحادیه اروپا می‌تواند نقش بارزی در رشد جایگاه اتحادیه در اقتصاد سیاسی جهانی در دورنمای ۲۰۵۰ داشته باشد بنابراین اتحادیه اروپا را در قالب ۳ گروه اتحادیه با محوریت کشورهای پیشرو، کشورهای بالکان غربی و کشورهای ان ام اس ۱۱ در نظر می‌گیریم.

۱. یازده کشور از اروپای مرکزی و شرقی (کرواسی، جمهوری چک، استونی، مجارستان، لتونی، لیتوانی، لهستان، رومانی، جمهوری اسلواکی و اسلونی) اعضای جدید اتحادیه هستند که به تازگی به آن پیوسته‌اند. یازده کشور مذکور در دو دهه گذشته بیشتر به رشد جبران عقب‌ماندگی خود پرداخته‌اند و دریافت‌کنندگان اصلی جریان‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اتحادیه اروپا بوده‌اند.

۴. فاکتورهای کلیدی و پیشران‌ها

از دیدگاه میترزبرگ، فاکتورهای کلیدی (اساسی) به عوامل و عناصر حساس، تأثیرگذار و حیاتی گفته می‌شود که در بروز یک پدیده، موفقیت و شکست آن نقش اصلی و دخالت مستقیم دارند. درون هر فاکتور کلیدی چندین پیشران قابل شناسایی هستند که در این نوشتار به برخی از آنها پرداخته می‌شود و سپس در پایان هر فاکتور کلیدی جدول کامل پیشران‌ها (شامل امتیازات برخی از خبرگان) آورده خواهند شد.

۴-۱. KFI. وضعیت اقتصاد داخلی

یکی از مهمترین شاخص‌های اقتصاد داخلی، تولید ناخالص داخلی است. جی دی پی اتحادیه در سال ۲۰۲۰، ۱۵۱۹۲۶۵ دلار بود که این رقم نشان‌دهنده آن است که اقتصاد اتحادیه ۱۳/۴۶ درصد اقتصاد جهانی را در سال ۲۰۲۰ به خود اختصاص داده است (Tradingeconomics, 2021). به نظر می‌رسد با توجه به افزایش سطح سرمایه‌گذاری و نفوذ اتحادیه، این رقم در طی سال‌های آتی روند صعودی داشته باشد. به‌علاوه اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۰ ۴۱۱/۸ میلیارد یورو در حوزه تولیدات کشاورزی درآمدزایی داشته است و با بیش از ۷۸ کشور جهان توافق نامه تجاری امضا کرده است و از این نظر بزرگترین شبکه توافق نامه‌های تجاری را در اختیار دارد (مسعودی، ۱۴۰۰، ص. ۱۷). در بسیاری از منابع از اصطلاح اتحادیه کشاورزی برای توصیف شرایط اتحادیه در ۲۰۵۰ استفاده می‌کنند به این معنی که این سازمان در ۲۰۵۰ تبدیل به یک قدرت شاخص در حوزه صادرات محصولات غذایی و کشاورزی خواهد شد. این مهم با اهداف توافق پاریس و دستیابی به اقتصاد کم‌کربن نیز هم سو است. به لحاظ اقلیمی و منابع آبی نیز اتحادیه در جایگاه مطلوبی قرار دارد و در دهه ۲۰۴۰ و ۲۰۵۰ که پیش‌بینی می‌شود در نتیجه کاهش ذخایر آبی اقتصاد بسیاری از کشورها با چالش مواجه شود، اتحادیه در شرایط مساعدی خواهد بود (Statita, 2021).

۴-۱-۱. بحران یورو

بحران مالی جهانی که از سال ۲۰۰۷ در ایالات متحده آغاز شد، در سال ۲۰۰۹ به اروپا نیز گسترش یافت. این بحران، امروزه همگرایی اقتصادی پولی را در اروپا دچار چالش کرده است. سیاست‌های اتحادیه در پاسخ به این بحران تاکنون بیشتر جنبه موقتی داشته است. تا جایی که بحران یورو توانسته دو مشروعیت مورد تأکید سوزان

استرنج یعنی «مشروعیت ورودی و خروجی» اتحادیه را با بحران جدی مواجه سازد (Strange, 2017, p.36).

۲-۱-۴. جایگزینی احتمالی یورو و فرانک سوئیس با دلار

امروزه، دلار حدود ۶۰٪ از ذخایر ارزی و یورو حدود ۲۱٪ ذخایر ارزی دنیا را تشکیل می‌دهند. بر اساس آخرین آمار صندوق بین‌المللی پول این ژاپن (۶٪) و پوند انگلیس (۴،۷٪) در جایگاه بعدی قرار دارند (Newsweek, 2018). برخی متخصصان معتقدند که در شرایط فعلی هیچ ارزی غیر از یورو رقیب دلار نیست. برخی دیگر بر این باورند که روی آوردن خیلی از کشورها به دادوستد با فرانک سوئیس و جایگزینی این ارز با دلار آمریکا (توأم با افزایش ارزش فرانک) در آینده نیز متصور است. آنها بیان می‌دارند که پول سوئیس در آغاز ۲۰۲۱ نسبت به آغاز ۲۰۲۰ نزدیک به ۱۰ درصد افزایش ارزش داشت، این رقم نسبت به ۲۰۰۵ بیش از ۳۲ درصد و نسبت به ۱۹۶۸، ۸۲٪ است. روند تداوم ارزش پول پیشران مهمی در ارتقای جایگاه اتحادیه اروپا در اقتصاد سیاسی جهانی است.

۱-۳-۴. تضعیف اصل بازار آزاد و چرخش به سمت الگوی اقتصادی مبتنی بر

اقتدارگرایی

افزایش گرایش به الگوی اقتصادی دولت محور و مبتنی بر اقتدارگرایی با شیوع پاندمی کووید ۱۹ روند تضعیف اصل بازار آزاد را تسریع بخشید. بر مبنای پیش‌بینی‌های مرکز بلومبرگ کشورهای مبتنی بر اقتصاد بازار آزاد که در سال ۲۰۰۰، ۵۷ درصد از اقتصاد جهانی را به خود اختصاص می‌دادند سهم‌شان به ۳۳ درصد در سال ۲۰۵۰ کاهش خواهد یافت و سهم اقتصادهای مبتنی بر مالکیت دولت از ۱۲ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۴۳ درصد در سال ۲۰۵۰ افزایش می‌یابد. ترس از افزایش قدرت چین حتی سبب شده اقتصادهای مبتنی بر بازار آزاد همچون ایالات متحده و اروپا به سمت رها ساختن خود از اصول بازار آزاد حرکت کنند. در سراسر جهان اکنون شاهد دنباله‌روی از سیاست‌های تجاری مرکانتلیستی و رویکرد سواری مجانی به مالکیت معنوی و در نتیجه تردید روزافزون نسبت به سیستم بازار آزاد هستیم (Bloomberg, 12N 2020). از دیدگاه ایشینگر (تحلیلگر اندیشکده بروکینگز) سیستم سرمایه‌داری استبدادی چین به الگویی جذاب برای سایر دولت‌ها تبدیل شده است (Ischinger, 2020, p.14).

۴-۱-۴. توسعه روزافزون فناوری‌های نوین و اقتصاد دیجیتال در دورنمای ۲۰۵۰

۲۰۲۵-

اتحادیه اروپا در حوزه توسعه انواع تکنولوژی به خصوص هوش مصنوعی، سرمایه‌گذاری‌های ویژه‌ای انجام داده و اخیراً از اولین برنامه جهانی برای تنظیم هوش مصنوعی رونمایی کرده است. قانون خدمات دیجیتال، قانون بازارهای دیجیتال، دهه دیجیتال؛ استراتژی امنیت سایبری، استراتژی داده و... از جمله مهم‌ترین دستورات عمل‌ها و قوانینی هستند که توسط اتحادیه در حوزه فناوری و اقتصاد دیجیتال تدوین شده‌اند. اتحادیه با وضع چنین قوانینی در حال چند برابر ساختن نقش نظارتی خود با هدف تبدیل شدن به یک ابرقدرت مهم فناوری و اقتصاد دیجیتال است (ECFR.eu, 2021). دستیابی به هدف بی‌طرفی آب‌وهوایی تا سال ۲۰۵۰ مستلزم توسعه تکنولوژی‌های مرتبط با انرژی شامل زیرساخت‌های انرژی بادی و خورشیدی و همچنین توسعه وسایل نقلیه الکتریکی است (Euobserver, 2021).

فاکتور کلیدی: قدرت اقتصاد داخلی											
مد	عدم قطعیت					درجه اهمیت					پیشران
	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	خبرگان
۴	۵	۴	۳	۴	۴	۳	۵	۴	۵	۵	رشد تولید ناخالص داخلی پس از حل‌وفصل بحران کووید ۱۹
۴	۳	۴	۴	۲	۴	۳	۲	۴	۳	۳	توسعه صنعت کشاورزی
۴	۴	۲	۴	۴	۴	۲	۲	۴	۴	۲	افزایش سرمایه‌گذاری در توسعه صنایع فضایی
۴	۵	۴	۵	۲	۴	۴	۴	۵	۵	۵	تشدید بحران اقتصادی منطقه یورو
۳	۳	۲	۵	۳	۲	۴	۳	۵	۲	۳	تشدید بحران بدهی در کشورهای مثل یونان و اسپانیا
۲	۴	۲	۴	۲	۲	۱	۲	۴	۵	۱	جایگزینی احتمالی فرانک سوئیس و یورو با دلار در مبادلات جهانی
۲	۳	۲	۲	۴	۲	۴	۳	۲	۳	۲	سخت‌تر شدن قوانین مهاجرتی
۵	۵	۲	۵	۵	۵	۵	۴	۵	۵	۴	افزایش سرمایه‌گذاری در توسعه اقتصاد دیجیتال
۵	۵	۱	۵	۳	۵	۵	۳	۵	۴	۵	توسعه صنایع مرتبط با هوش مصنوعی
۴	۴	۲	۴	۳	۳	۵	۱	۴	۴	۲	داشتن منابع آبی گسترده در مقایسه با سایر کشورها

۴-۲. KF2. جمعیت

میانگین رشد سالانه جمعیت ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا در دهه ۲۰۰۰، ۳۸ درصد بود و در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ ۰/۲۲ درصد و از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۳۰ ۱۲٪ درصد رشد خواهد داشت. ضعف اتحادیه اروپا در حوزه جمعیتی سبب کاهش نیروی کار در این کشور خواهد شد که می‌تواند استرس قابل توجهی را به اقتصاد اتحادیه اروپا وارد سازد. نرخ رشد سالانه بهره‌وری نیز در اتحادیه از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۷ ۱/۵ درصد بوده است و در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۰ به ۱/۲۲ درصد کاهش یافت و این دورنما وجود دارد که در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۳۰ به ۱/۳۵ درصد برسد و در دهه‌های آتی این میزان با روند کاهشی مواجه شود (Eurostat, 2021). طبق اعلام سازمان ملل متحد، اروپا تنها منطقه در جهان است که پیش‌بینی می‌شود بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۶۰ کاهش جمعیت، منفی ۴/۹ درصدی داشته باشد (Ischinger, 2020, p. 271).

۱-۲-۴- افزایش مهاجرت به اتحادیه اروپا

در کنار کاهش جمعیت، عامل دیگری که به لحاظ نیروی انسانی برای اتحادیه اروپا از یک سو بحران آفرین و از سوی دیگر فرصت ساز خواهد شد، افزایش مهاجرت‌ها به اتحادیه اروپا در دهه ۲۰۵۰ است زیرا در حالی که در دهه ۲۰۵۰ چین، ژاپن و روسیه، به ترتیب ۳۸، ۲۰ و ۱۵ میلیون نفر کاهش جمعیت خواهند داشت، هند با ۴۰۰ میلیون نفر افزایش جمعیت مواجه خواهد شد و به‌طور هم‌زمان جمعیت آفریقا ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون نفر افزایش خواهد داشت که این مسئله اتحادیه را با یک شوک مهاجرتی بزرگ مواجه خواهد ساخت. در بین جمعیت مهاجرین چند میلیون نفر پناهنده آب‌وهوایی از آفریقا و خاورمیانه خواهند بود که این امر تعداد جمعیت آفریقایی در فرانسه را در سال‌های آتی، ۱۳ میلیون نفر یعنی ۲۰ درصد افزایش خواهد داد (Durson, 2019, p. 5). البته تحرکات اخیر اتحادیه اروپا در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی با توجه به جمعیت بکر منطقه و وجود نیروی کار فعال در آن که اغلب آن‌ها تمایل به مهاجرت به اتحادیه دارند گویای توجه ویژه اتحادیه به اهمیت پر کردن خلأ جمعیتی خود در دهه‌های آتی است. به عبارتی راهبرد اصلی اتحادیه جذب جمعیت متخصص مناطق مختلف جهان به خصوص اوراسیا برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز خود جهت رشد اقتصادی است.

فاکتور کلیدی: جمعیت											
مد	پیش‌بینی پذیری					درجه اهمیت					پیشران
	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	خبرگان
۵	۵	۴	۵	۳	۴	۵	۴	۵	۵	۲	پیر شدن و کاهش جمعیت
۳	۴	۳	۵	۲	۳	۴	۴	۵	۴	۳	کاهش نیروی کار
۲	۳	۲	۵	۲	۱	۲	۳	۴	۳	۱	افزایش جذب نخبگان کشورهای منطقه آسیای مرکزی و آسیای میانه
۳	۳	۳	۵	۳	۳	۱	۳	۳	۴	۳	تسهیل قوانین مهاجرتی
۱	۳	۳	۱	۲	۱	۴	۳	۴	۳	۱	رشد جمعیت مسلمانان و اعراب
۲	۲	۲	۲	۳	۲	۵	۲	۲	۵	۲	رشد تفکرات ملی‌گرایانه
۲	۴	۳	۲	۲	۲	۵	۴	۴	۵	۲	سخت‌تر شدن قوانین مهاجرپذیری
۳	۵	۳	۵	۳	۳	۳	۴	۵	۵	۳	ظهور مجدد پاندمی‌های کشنده

۳-۴. KF3. انرژی

۱-۳-۴. افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی پاک اقتصاد کم‌کربن

هدف محوری توافقنامه ۲۰۱۵ پاریس تقویت پاسخ جهانی به تهدید تغییرات آب‌وهوایی است و نگهداشتن افزایش دما زیر ۲ درجه سانتی‌گراد و حتی ۱٫۵ درجه سانتی‌گراد است. در راستای دستیابی به این هدف دو استراتژی محوری توسط اتحادیه اروپا تعریف شده‌اند که عبارت‌اند از: ۱. افزایش بهره‌وری انرژی و ۲. کربن‌زدایی به‌خصوص از طریق استفاده گسترده از انرژی‌های تجدیدپذیر. در دورنمای انرژی اتحادیه در ۲۰۵۰، سهم منابع تجدیدپذیر از کل تأمین انرژی، تقریباً به ۵۰ درصد خواهد رسید. ظرفیت نیروگاه‌های هسته‌ای و زغال سنگ نیز تا سال ۲۰۵۰ بیش از ۵۵ درصد کاهش خواهد یافت. اکنون آلمان، فرانسه، انگلیس، اسپانیا، هلند و بلژیک از اتمام مرحله زغال سنگ برای آینده خبر داده‌اند. به‌طور کلی، سهم ظرفیت تولید نیروگاه‌های حرارتی قابل هدایت از ۵۰ درصد به حدود ۳۰ درصد تا سال ۲۰۵۰ کاهش خواهد یافت (Energybrainpool, 2020, p.87).

۲-۴-۲. افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه ترانزیت گاز و توسعه منابع گازی

اکنون اتحادیه در حوزه تأمین گاز خود با دو چالش مواجه است که عبارت‌اند از وابستگی زیاد به واردات، ساختار عرضه (انحصار چندجانبه) و قدرت زیاد عرضه‌کنندگان گاز در بازار از یک‌سو و رویکرد بازارها و نهادها از سوی دیگر که اتحادیه در طی سال‌های گذشته نتوانسته آن‌ها را تغییر دهد (مجیدی، ۱۴۰۰: ۱۰).

یکی از مهمترین چالش‌های اتحادیه اروپا در این حوزه، تأمین گاز از روسیه است. در نتیجه در دورنمای ۲۰۲۵-۲۰۵۰، یکی از اهداف اتحادیه هم سو با توافق پاریس، افزایش تسلط بر منابع گازی و متعدد ساختن کشورهای تأمین‌کننده گاز تعیین شده است. در این راستا، اقدامات زیادی در دستور کار سران اتحادیه قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، طراحان اصلی بحران قره‌باغ سران اتحادیه و انگلستان بودند که هدف تسلط بر منابع منطقه اوراسیا و قفقاز جنوبی را دنبال می‌کردند. طی چند ماه اخیر نیز شاهد توافقات کشورهای این منطقه و ترکیه و کشورهای عضو اتحادیه در حوزه انرژی هستیم. اکسون موبایل تخمین می‌زند تا سال ۲۰۳۵ تقاضای گاز طبیعی تقریباً به ۶۰۰ میلیارد مترمکعب برسد (Mete, 2020, p. 295).

فاکتور کلیدی: انرژی											
مد	پیش‌بینی پذیری					درجه اهمیت					پیش‌ران
	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	
											خبرگان
۴	۵	۴	۴	۳	۴	۴	۵	۳	۵	۳	کاهش ذخایر گازی کشورهای عضو اتحادیه در دورنمای ۲۰۵۰
۴	۴	۳	۴	۲	۴	۳	۴	۳	۵	۳	افزایش مشارکت در منازعات مناطق دارای ذخایر گازی
۳	۳	۳	۴	۲	۳	۱	۳	۳	۵	۲	افزایش تسلط بر ذخایر گازی جهان
۵	۴	۱	۵	۵	۵	۵	۲	۴	۴	۴	افزایش سرمایه‌گذاری در حوزه توسعه انرژی پاک و کربن‌زدایی
۵	۵	۱	۵	۵	۳	۵	۲	۵	۵	۳	توسعه صنایع و کارخانه‌های تولیدکننده تجهیزات نوین در حوزه انرژی
۴	۴	۲	۴	۵	۴	۳	۴	۴	۵	۴	افزایش تقابل روسیه با اتحادیه اروپا در حوزه انرژی و اخلاص در ترانزیت گاز
۴	۴	۱	۴	۵	۴	۳	۳	۴	۵	۴	افزایش توافقات کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی
۳	۳	۱	۳	۳	۲	۲	۳	۳	۳	۲	افزایش نفوذ در خاورمیانه
۲	۳	۲	۳	۳	۲	۲	۳	۴	۳	۲	توسعه مناسبات با عربستان سعودی، و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس
۴	۴	۴	۳	۲	۴	۴	۴	۳	۴	۳	کاهش ذخایر گازی کشورهای عضو اتحادیه در دورنمای ۲۰۵۰

۴-۴. KF4. ترانزیت

ترانزیت قوی و داشتن بسترها و تجهیزات ترانزیتی در هر سه بعد زمینی، دریایی و هوایی از مهم‌ترین عوامل ترسیم‌کننده جایگاه یک کنشگر در اقتصاد سیاسی جهانی است. در مورد اتحادیه نیز توسعه ترانزیت بسیار مورد توجه کشورهای عضو

قرار دارد و تلاش برای توسعه ابعاد مختلف ترانزیت حتی بعد فضایی تا دهه ۲۰۵۰ در دستور کار اتحادیه قرار دارد. یکی از اهداف اولیه سیاست حمل و نقل آینده که در کاغذ سفید ۲۰۱۱ تعریف شده است، کاهش ۶۰ درصدی انتشار گازهای گلخانه‌ای تا سال ۲۰۵۰ است. استفاده از ماشین‌هایی با «سوخت متعارف» در حمل و نقل شهری تا سال ۲۰۳۰ تا ۵۰ درصد کاهش خواهد یافت و تا سال ۲۰۵۰ به تدریج منسوخ می‌شود؛ و ۳۰ درصد حمل بار جاده‌ای در مسیر بیش از ۳۰۰ کیلومتر تا ۲۰۳۰ به انواع دیگر حمل بار مانند حمل ریلی یا آبی تغییر خواهد یافت (Vasileios, 2019, p.89).

فاکتورهای کلیدی: ترانزیت												
مد	پیش‌بینی پذیری					درجه اهمیت					پیشران	
	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	خبرگان	
۴	۴	۴	۴	۳	۴	۴	۵	۴	۵	۴	توسعه و افزایش خطوط ترانزیت انرژی	
۳	۳	۲	۴	۲	۳	۳	۳	۳	۴	۳	تسهیل قوانین و پیشرفت صنعت ترانزیت	
۲	۲	۲	۲	۴	۲	۲	۲	۲	۲	۲	افزایش ارزش افزوده انبارداری و حمل و نقل	
۲	۲	۲	۳	۵	۱	۲	۲	۴	۴	۱	توسعه حمل و نقل هوایی	
۲	۲	۲	۳	۵	۱	۲	۲	۲	۴	۱	توسعه حمل و نقل ریلی	
۵	۳	۳	۵	۵	۳	۲	۳	۴	۴	۳	سرمایه‌گذاری در حوزه ترانزیت و تکنولوژی فضایی	
۳	۳	۳	۳	۵	۳	۲	۲	۴	۳	۳	توسعه زیرساخت‌های ترانزیت دریایی	
۳	۳	۲	۳	۵	۳	۳	۲	۳	۵	۳	پروژه ابتکار کمر بند آبی	

۵-۴-۵. اقتصاد سلامت

پاندمی کووید ۱۹، سبب به وجود نوعی از عدم قطعیت و افزایش رکود در اتحادیه اروپا شد که این عدم قطعیت سبب خواهد شد نرخ باروری در اتحادیه در طی سال‌های آتی کاهش قابل توجهی داشته باشد (European commission, 2021, 13). گزارش اندیشکده‌های مختلف بخصوص گزارش ۲۰۱۸ اندیشیده رند انتشار ویروس‌ها در دهه آتی و قرار گرفتن آن‌ها در خدمت اقتصاد دولت‌ها را پیش‌بینی می‌کنند. در این سند به‌طور مستقیم اشاره شده به اینکه جهان تا ۲۰۳۰ درگیر انواع پاندمی، فجایع زیست‌محیطی و ظهور قدرت‌های جدید خواهد بود. در نتیجه دولت‌هایی که توان مدیریت سریع و صحیح را داشته باشند نقش مهمی در اقتصاد جهانی خواهند

داشت (Rand,2018). سرمایه‌گذاری در حوزه اقتصاد سلامت اکنون به‌عنوان یک‌راه حل حیاتی برای رهایی از تکرار مرگ‌ومیر و ضربات جدی پاندمی کووید ۱۹ موردتوجه است لذا ۲۵ درصد GDP کل دنیا (یعنی حدود ۳۰۰ تریلیون دلار) در سال ۲۰۲۱ و به بعد، به حوزه سلامت اختصاص پیدا می‌کند. در نتیجه حوزه اقتصاد سلامت به یک فاکتور کلیدی و شیوع انواع بیماری‌های همه‌گیر یک پیشران مهم جهت تبیین قدرت کنشگران مختلف است.

۱-۵-۴. رشد اقتصاد در سایه

از دیدگاه متخصصان اروپایی یکی از اثرات جدی پاندمی کووید ۱۹ رشد اقتصاد در سایه در کشورهای عضو اتحادیه اروپا است. اکنون، با شیوع ویروس کووید ۱۹ و تعطیل شدن بخش بزرگی از فعالیت‌های زیرمجموعه دولت و همین‌طور بسیاری از صنایع بخش خصوصی، عملاً شاهد رشد اقتصاد در سایه هستیم که در صورت حل نشدن کامل بحران کووید ۱۹ و یا آغاز امواج جدید پاندمی، همچنان روند صعودی خواهد داشت. لازم به ذکر است که با توجه به عدم توان محاسبه این بخش از اقتصاد توسط دولت، سود حاصل از آن تأثیری بر رشد اقتصادی دولت‌ها نخواهد داشت (Vasileios,2019,p.53). در نتیجه رشد این بخش در کشورهای عضو اتحادیه یک پیشران منفی اثرگذار بر دورنمای اقتصاد اتحادیه است.

۵-۴-۲. تشدید بیکاری ناشی از انواع پاندمی

در دوران پاندمی ویروس کووید ۱۹ در اتحادیه اروپا، بیکاری در سطح قابل توجهی افزایش یافت. بر اساس آمارهای مرکز یورواستات ۱۵۳۸۰ میلیون مرد و زن در اتحادیه اروپا که قریب به ۱۳۰۳۰ نفر از آن‌ها در منطقه یورو هستند در آوریل ۲۰۲۱ بیکار بوده‌اند (Eurostat,2021). در صورت عدم مدیریت صحیح، بیکاری می‌تواند سبب افزایش گرایش‌های جدایی‌طلبانه و در نتیجه افزایش احتمال واگرایی درون اتحادیه اروپا شود.

فاکتورهای کلیدی: اقتصاد سلامت												
مد	پیش‌بینی پذیری					درجه اهمیت					پیشران خبرگان	
	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱		
۵	۴	۵	۵	۲	۴	۲	۵	۵	۴	۴	۴	تشدید انواع پاندمی‌ها در سطح جهانی تا ۲۰۵۰
۳	۴	۳	۳	۳	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۴	افزایش سطح سرمایه‌گذاری اتحادیه اروپا در حوزه اقتصاد سلامت
۴	۴	۲	۳	۴	۴	۵	۴	۴	۵	۴	۴	حل‌وفصل کامل بحران کووید ۱۹
۴	۴	۲	۲	۵	۴	۴	۳	۴	۴	۴	۴	کسب درآمد با بهره‌گیری از فناوری ساخت انواع واکسن
۳	۳	۲	۲	۳	۳	۳	۳	۳	۵	۳	۲	رشد اقتصاد در سایه در اغلب کشورهای اروپایی
۳	۳	۳	۳	۳	۳	۲	۳	۴	۲	۳	۲	افزایش سطح سرمایه‌گذاری در حوزه توریسم و توریسم درمانی
۳	۳	۲	۳	۳	۳	۴	۲	۳	۳	۳	۴	تشدید بحران مهاجرت بر اثر شیوع انواع پاندمی
۲	۲	۴	۲	۲	۲	۵	۴	۲	۳	۲	۵	تشدید بحران اعتماد پس از کووید ۱۹
۳	۲	۲	۴	۳	۲	۳	۲	۴	۵	۲	۳	کاهش نرخ رشد جمعیت در اثر پاندمی
۳	۳	۴	۳	۳	۳	۳	۴	۵	۳	۳	۲	توسعه تحقیقات در حوزه پزشکی

۶-۴-۶. روابط و سرمایه‌گذاری خارجی

مسئله‌ای یکی از مهم‌ترین فاکتورهای ترسیم‌کننده جایگاه اتحادیه اروپا در اقتصاد جهانی، روند افزایش سطح سرمایه‌گذاری خارجی این سازمان و کشورهای عضو در مناطق مختلف جهان به‌خصوص آسیا و آفریقا هستیم. به‌عنوان مثال پس از خروج ترامپ از آغوش سنتی تجارت آزاد با آسیا، اروپا خود را به‌عنوان مروج محکم برای تجارت آزاد معرفی کرد و به همین دلیل اعتبار زیادی در این منطقه به دست آورد (شفیعی، ۱۳۹۹، ص. ۲۳). در سایر مناطق نیز شاهد افزایش حوزه نفوذ اقتصادی اتحادیه هستیم.

۱-۶-۴. افزایش سرمایه‌گذاری در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی

تسلط بر مناطق دارای بیشترین ذخایر گازی، معادن، ذخایر طلا، سنگ‌های قیمتی، نیروی انسانی جوان و همین‌طور بازارهای مصرف برای تولیدات فناوری و پزشکی یکی از مهم‌ترین راهبردهایی است که توسط اتحادیه اروپا دنبال می‌شود. یکی از مهم‌ترین مناطق از دیدگاه سران اتحادیه اروپا که می‌تواند تأمین‌کننده بخش

قابل توجهی از نیازهای اتحادیه در مسیر تبدیل شدن به یکی از قدرت‌های برجسته اقتصادی باشد، اوراسیا و قفقاز جنوبی است. اتحادیه اروپا از هر فرصتی جهت توسعه نفوذ خود به خصوص بر کریدورهای اقتصادی منطقه بهره می‌برد (International Energy Agency, 2019, p.35). این راهبرد اکنون از سوی سران اتحادیه اروپا به شکل متحد و بعضاً به شکل متناقضی در حال پیگیری است و حتی تسلط بر منابع گازی منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی تبدیل به رقابتی جدی بین کشورهای عضو شده است. به عنوان مثال تناقض سیاست‌های فرانسه، آلمان و انگلستان در راستای افزایش نفوذ در کشورهای قفقاز جنوبی کاملاً مشهود است. ایتالیا نیز به تنهایی در حال پیشبرد منافع اقتصادی خود در منطقه است. از دیدگاه مقامات ایتالیا، ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت منطقه (شامل ایران) به همراه منابع انرژی سرشار این کشورها و استقبالی که از سرمایه‌گذاران خارجی به خصوص اروپایی دارند، بستر بسیار مناسبی برای توسعه اقتصادی است. به طور کلی، اتحادیه ۳ طرح اصلی را در اوراسیا دنبال می‌کند که عبارت‌اند از طرح تقویت مسیر راه لاجورد، طرح ترانس کاسپین و طرح انتقال انرژی از آذربایجان به نخجوان از مسیر ارمنستان.

۲-۴-۶. افزایش سرمایه‌گذاری در خاورمیانه با محوریت عربستان سعودی

اکنون به نظر می‌رسد راهبرد غرب در خاورمیانه تغییر یافته و حمایت نظامی صرف، جای خود را به مشارکت در اقتصاد و حکمرانی داده است. سرمایه‌گذاری‌های ویژه ایالات متحده و اتحادیه اروپا در مسیرهای پروژه کمربند و جاده نیز بسیار قابل توجه خواهد بود (Monica, 2021, p.30). این نکته شایان ذکر است که در دورنمای ۲۰۵۰ عربستان سعودی جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی اتحادیه خواهد داشت زیرا سپرده‌گذاری و سرمایه‌گذاری عربستان به تنهایی در اروپا و آمریکا حدود ۱۶ تا ۱۷ تریلیون دلار است در نتیجه تصمیم این کشور به خروج مبالغ مذکور از بازار اقتصادی اتحادیه اروپا و آمریکا، اقتصاد آن‌ها را از تعادل خارج خواهد کرد. به علاوه، ریاض در چشم‌انداز ۲۰۳۰ به شاخص‌های بهره‌وری انرژی، فناوری آرای و اقتصاد کم‌کربن دست خواهد یافت و با توجه به تبدیل شدن این کشور به بازار اقتصادی منطقه، افزایش سرمایه‌گذاری در خاورمیانه با محوریت عربستان سعودی شاخصی است که می‌تواند اتحادیه را در مسیر توسعه اقتصادی یاری دهد (Pastukhova, 2020, p.7).

۳-۶-۴. تسریع در پذیرش عضویت کشورهای حوزه بالکان غربی

کشورهای حوزه بالکان غربی از سوی نهاد اتحادیه اروپا برای شرح آن دسته از کشورهایی از منطقه بالکان استفاده می‌شود که هنوز به عضویت اتحادیه اروپا درنیامده‌اند. جمعیت کشورهای این منطقه در حال حاضر ۱۸ میلیون نفر است و تولید ناخالص داخلی آن‌ها ۸۰ میلیارد یورو است. اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین شریک تجاری این کشورها و منبع اصلی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و مقصد اصلی مهاجرت مردم کشورهای مذکور است. به‌علاوه این منطقه کوتاه‌ترین مسیر ترانزیت بین ناحیه جنوب-شرق اتحادیه اروپا (یونان، بلغارستان، و رومانی) و کشورهای اروپای مرکزی (مجارستان، کرواسی، اسلونی، و اتریش) است. به‌علاوه اتحادیه اروپا منافع زیادی در کشورهای حوزه بالکان دارد. اتحادیه صرفاً در سال ۲۰۲۰٪ ۶۹ صادرات و ۵۴٪ واردات از کشورهای بالکان غربی داشته است (Europa, April 2021). در مجموع، پذیرش کشورهای منطقه در اتحادیه اروپا فرصتی برای احیای اعتماد سرمایه‌گذاران فراهم می‌کند. همگرایی درآمد سرانه این کشورها با کشورهای عضو اتحادیه اروپا سبب ارتقای جایگاه اقتصادی اتحادیه خواهد شد (Vlachos, 2019, p.270).

۶-۴-۴. افزایش سرمایه‌گذاری و نفوذ در قاره آفریقا

قاره آفریقا در دهه ۲۰۵۰ اهمیتی به‌مراتب بیشتر از سایر مناطق در اقتصاد سیاسی جهانی خواهد یافت. علاوه بر ذخایر و معادن طلا، انرژی و نیروی کار ارزان قیمت از مهم‌ترین فاکتورهایی هستند که به قاره سیاه وزن بالا و نقش تعیین‌کننده‌ای در معادلات اقتصاد سیاسی جهانی می‌بخشند. ۲۷ کشور عضو اتحادیه و انگلستان مهم‌ترین شرکای تجاری آفریقا در سال ۲۰۲۱ بوده‌اند و کشورهای اسپانیا، فرانسه، آلمان، ایتالیا و هلند در صدر کشورهای واردکننده مواد اولیه و انرژی از قاره آفریقا قرار می‌گیرند (COMEXT, 2021). بر مبنای آمارهای مرکز مطالعات امنیتی، در حالی که تا دهه ۲۰۵۰ جمعیت اتحادیه اروپا روندی کاهشی را تجربه خواهد کرد، قاره آفریقا در ۲۰۵۰ به معدن نیروی انسانی جوان تبدیل خواهد شد. اسپانیا، فرانسه، ایتالیا، آلمان و کشورهای شرق اروپا بر مناطق شمالی و شمال شرقی قاره آفریقا مسلط خواهند بود (Institute for Security Studies, 2020).

۵-۶-۴. تقویت روابط دو سوی آتلانتیک پس از ابتکار اتحاد AUKUS باهدف

مه‌ار چین

در دوران حاضر، مهم‌ترین تهدید نظم لیبرال غربی ظهور چین به‌عنوان یک بازیگر، چالش‌ساز است. دفع تهدید چین به‌عنوان مهم‌ترین قدرت چالش‌ساز و برهم‌زننده نظم که سال‌هاست توسط غرب ایجاد و حفظ شده به‌عنوان مهم‌ترین راهبرد غرب تعریف شده است. هرچند در دوران ترامپ این برداشت وجود داشت که اتحادیه اروپا فاقد یک رویکرد منسجم در مقابل پکن است و سیاست اروپا به‌سختی با سیاست ایالات‌متحده هماهنگ می‌شود (Ischinger, 2020, p. 192) اما با روی کار آمدن بایدن رویکرد دو سوی آتلانتیک در حال نزدیک‌تر شدن است و ایالات‌متحده و اتحادیه اروپا در تلاش‌اند تا در اتحاد با کشورهای مثل ژاپن، هند و استرالیا (با محوریت کوآد) مانع از قدرت‌گیری چین شوند. از دیدگاه متخصصان گسیختگی و اختلاف بزرگ بین چین و آمریکا در سال ۲۰۳۰ تشدید خواهد شد و تا سال ۲۰۳۵ دو جبهه درگیر جنگ از هر دو نوع سرد و نیابتی خواهند بود. در نتیجه اتحاد قوی‌تر غرب مساوی است با ارتقای جایگاه آن در اقتصاد سیاسی جهانی (Szyrna, 2019, p. 5).

فاکتورهای کلیدی: سیاست خارجی												
مد	پیش‌بینی پذیری					درجه اهمیت					پیش‌ران	
	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	خبرگان	
۵	۲	۳	۵	۳	۲	۵	۲	۵	۲	۱	۳	افزایش قیمت طلا در معادلات جهانی
۲	۲	۲	۳	۳	۲	۲	۳	۲	۲	۲	۲	افزایش مناسبات و سرمایه‌گذاری در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی
۳	۳	۳	۳	۳	۲	۳	۴	۳	۳	۲	۲	افزایش سرمایه‌گذاری در خاورمیانه با محوریت عربستان سعودی
۲	۱	۲	۱	۲	۱	۲	۳	۱	۱	۱	۲	افزایش سرمایه‌گذاری در آسیای میانه با محوریت افغانستان
۳	۳	۲	۳	۲	۳	۳	۳	۳	۲	۳	۲	تسریع در پذیرش عضویت کشورهای حوزه بالکان غربی
۴	۳	۳	۵	۴	۱	۴	۳	۵	۳	۱	۳	افزایش سرمایه‌گذاری و نفوذ در قاره آفریقا
۴	۵	۴	۴	۴	۴	۵	۳	۴	۵	۴	۵	تقویت روابط دو سوی آتلانتیک پس از ابتکار اتحاد AUKUS باهدف مه‌ار چین
۴	۴	۱	۴	۱	۴	۴	۱	۴	۴	۴	۵	اتخاذ سیاست خارجی مستقل از آمریکا و توسعه مناسبات با چین
۱	۱	۱	۳	۱	۱	۵	۱	۳	۴	۱	۵	واگرایی با غرب و افزایش مناسبات با چین
۲	۲	۲	۳	۱	۲	۲	۲	۳	۳	۲	۲	افزایش سرمایه‌گذاری در کشورهای دریای جنوبی چین

۴-۷. KF7. تحولات سیاسی

۴-۷-۱. قدرت‌گیری احزاب سیاسی یوروسپتیک

طی سال‌های اخیر، برخی از کشورهای اتحادیه اروپا شاهد افزایش نسبی حمایت از احزاب سیاسی پوپولیست، ملی‌گرا و ضد تشکیل اتحادیه بوده‌اند. این احزاب غالباً «یوروسپتیک» خوانده می‌شوند، زیرا نگرانی‌هایی مبنی بر تسلیم شدن بیش‌ازحد حاکمیت ملی به بروکسل را دارند. اتریش، جمهوری چک، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، مجارستان، ایتالیا، هلند، لهستان، اسپانیا و سوئد از جمله کشورهای اتحادیه اروپا هستند که دارای احزاب یوروسپتیک هستند. قدرت گرفتن آن‌ها پیش‌رانی است که می‌تواند قدرت اقتصادی اتحادیه را تضعیف سازد (Borrell, 2020, p. 12).

۴-۷-۲. قدرت گرفتن مجدد ترامپ و ترامپ‌بسم

سیاست‌های دولت ترامپ سبب شکاف بین روابط اتحادیه اروپا و آمریکا شد. عدم کمک آمریکا به اتحادیه اروپا در حل بحران کرونا نیز عملاً منطق روابط فرا آتلانتیکی زیر سؤال برد و در نزد اروپائیان تصویری از آمریکا به‌عنوان شریکی غیرقابل اعتماد شکل گرفت (foreignpolicy, 23/3/2020). ظهور مجدد ترامپ‌بسم و گرایش‌های واگرایانه در آمریکا می‌تواند برای اقتصاد اتحادیه اروپا آسیب‌زا باشد.

۴-۷-۳. ای لیبرالیسم و تشدید بحران اعتماد

ای لیبرالیسم به‌عنوان طرد و نفی همه مکانیسم‌ها و نهادهایی تعریف شده است که در راستای حفظ حقوق و آزادی فردی در برابر قدرت حاکم شکل گرفته‌اند. روندهای اخیر ای لیبرالیسم با عبارت *façade gradual setbacks under a legal* توصیف می‌گردند. بر اساس روندهای موجود در کل کشورهای دموکراتیک در سراسر اروپای غربی و شرقی به‌خصوص مجارستان، لهستان و همین‌طور چک و اسلواکی، علاوه بر تشدید روند ای لیبرالیسم در کل کشورهای اروپایی به‌خصوص در اروپای شرقی، تأکید بر تفاوت‌های فرهنگی کشورهای اروپای شرقی و غربی سبب تشدید واگرایی درون اتحادیه شده است و پیش‌بینی می‌شود این روند تا ۲۰۵۰ همچنان ادامه داشته باشد. واگرایی موجود در موارد بسیاری از جمله مخالفت با قوانین اتحادیه مشاهده می‌شود که نمونه بارز این مخالفت‌ها را می‌توان در ماجرای بحران مهاجرت

مشاهده کرد. از دیدگاه متخصصان، این اختلافات نه تنها سیستم قانونی حاکم بر اتحادیه بلکه دستاوردهای قبلی همگرایی از جمله دستاوردهای اقتصادی را از بین می برد (Lorenz, 2021, p.50).

۴-۷-۴. ادامه یافتن دومینوی برگزیت

برگزیت از دیدگاه برخی متخصصان نقطه آغاز یک دومینو در اتحادیه اروپا ست زیرا تا قبل از برگزیت، بار مالی جنوب اروپا عمدتاً بر دوش انگلستان بود و فشار بیش از اندازه مالی و متفاوت بودن مسیر سیاست خارجی این کشور سبب تلاش در جهت خروج از اتحادیه شد. این نکته شایان ذکر است که از سال ۲۰۰۰ به بعد اکثر کشورهای جنوب اروپا از سه کشور شمال اروپا (انگلیس، آلمان، فرانسه) وام گرفته و انباشت بدهی داشته اند که عمده این وام از انگلستان بود. اکنون این کشور نه تنها دیگر وامی به اروپا نمی دهند بلکه خواهان بازپس گیری وام های پیشین است. در مقابل دو کشور شمالی (آلمان و فرانسه) توان به دوش کشیدن بار مالی جنوب اروپا (یونان، ایتالیا، پرتغال و ...) را ندارند. در نتیجه احتمال ادامه یافتن دومینوی برگزیت وجود دارد. به نظر می رسد حتی کشورهایی مثل مجارستان به این دومینو بپیوندند.

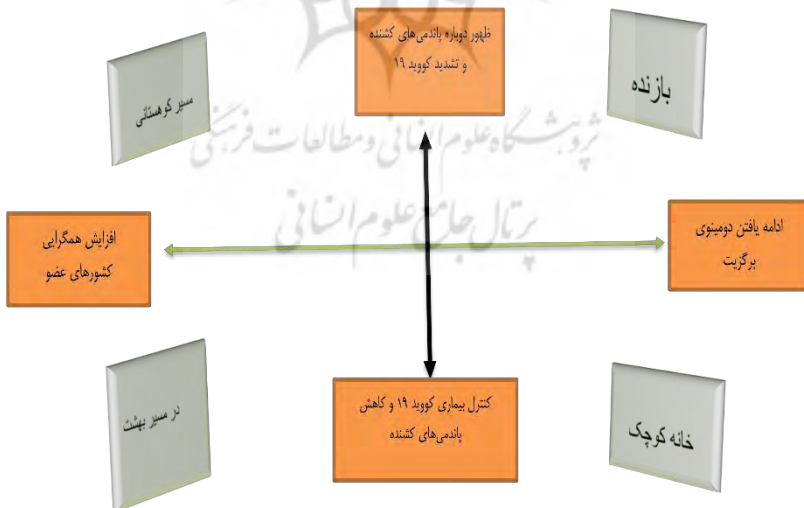
۴-۷-۵. سیاست همسایگی اروپا

یکی از مهم ترین پیشران هایی که تداوم بخش قدرت اتحادیه در سطح منطقه ای و جهانی است، سیاست همسایگی اتحادیه اروپاست که بر اساس آن اتحادیه به عنوان یک بازیگر در صدد توسعه نفوذ خود در محیط پیرامونی است. اتحادیه اروپا با ابزار اقتصادی که در اختیار دارد تلاش می کند نرم های مطلوب خود را در کشورهای همسایه نهادینه کند تا از طریق هژمون شدن در منطقه بتواند منافع امنیتی و اقتصادی خود را محقق سازد. این مهم از طریق اعمال مجموعه سیاست هایی موسوم به «سیاست همسایگی اروپا» پیگیری می شود. در واقع اتحادیه اروپا که با سیل مداوم درخواست کشورهای دیگر برای عضویت روبرو است در قالب سیاست همسایگی در تلاش است ضمن عدم گسترش منطقه ای خود تحت عنوان اتحادیه، منافع و دغدغه های خود را در کشورهای پیرامونی خود محقق سازد تا کمتر از مهاجرت ها یا بحران های اقتصادی و امنیتی در کشورهای همسایه خود آسیب ببیند. این نکته شایان ذکر است که این سیاست که پس از خیزش های مردمی خاورمیانه در سال ۲۰۱۱ و بحران اوکراین، مورد بازنگری از سوی اتحادیه اروپا قرار گرفته است و از آن

زمان، «تغییر» و «تداوم» به‌عنوان اصول سازمان دهنده این سیاست مورد استفاده قرار گرفتند تا عملکرد «سیاست هم‌سایگی بازنگری شده اتحادیه اروپا» بهتر درک شود. در چارچوب این سیاست اتحادیه اروپا بر «حل‌وفصل منازعه» تمرکز کرده است که تا حد زیادی با توسعه اهداف این نهاد اروپایی پس از اجرایی شدن «معاهده لیسبون» جهت تحکیم نقش جهانی آن، ارتباط دارد (دمیتری، ۲۰۱۶: ۱۳).

فاکتورهای کلیدی: تحولات سیاسی											
مد	پیش‌بینی پذیری					درجه اهمیت					پیشران
	۱	۲	۳	۴	۵	۱	۲	۳	۴	۵	
	۵	۴	۳	۲	۱	۵	۴	۳	۲	۱	خبرگان
۳	۵	۵	۳	۳	۲	۵	۵	۳	۴	۳	ادامه یافتن دومینوی برگزیت
۲	۴	۲	۴	۳	۴	۲	۳	۴	۳	۴	افزایش گرایش به همکاری در راستای تقویت مدیریت بحران
۳	۳	۳	۳	۵	۳	۵	۳	۳	۵	۳	همگرایی ناتو و ایالات‌متحده در دفع تهدید چین
۴	۵	۲	۵	۴	۲	۴	۴	۵	۵	۲	تشدید تقابل غرب با چین
۲	۲	۲	۳	۲	۲	۵	۲	۲	۵	۲	رشد ای لیبرالیسم
۲	۳	۵	۲	۲	۲	۵	۴	۱	۵	۲	قدرت‌گیری احزاب یوروسپتیک در کشورهای عضو
۲	۴	۱	۲	۲	۲	۵	۲	۴	۵	۲	شکاف مجدد روابط دو سوی آتلانتیک
۴	۵	۵	۴	۴	۴	۵	۳	۴	۳	۴	سیاست همسایگی اروپا

۵. شناسایی عدم قطعیت‌ها و طراحی سناریوها



روایت سناریوها

جهان مطلوب

اتحادیه اروپا پس از طی کردن چند دهه فعالیت اقتصادی و تعمیق سطح نفوذ و سرمایه‌گذاری در مناطق مختلف جهان اکنون توانسته است ذخایر مالی و انرژی مهمی را برای خود فراهم کند و با رشد تولید ناخالص داخلی در جایگاه سوم در بین کنشگران اقتصادی جهانی قرار گیرد. میزان سرمایه‌گذاری قدرت‌های برتر اتحادیه اروپا در خاورمیانه، شمال آفریقا، افغانستان (به‌طور کلی کشورهای آسیای میانه) و مهم‌تر از همه آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی رشد قابل توجهی داشته است. به نظر می‌رسد ایتالیا، آلمان و فرانسه توانسته‌اند در این مناطق سرمایه‌گذاری‌های جدی هم به‌صورت جداگانه و هم در قالب اتحادیه اروپا انجام دهند. تسلط بر کریدورهای ارتباطی، افزایش نفوذ بر کشورهای حاضر در مسیر ابتکار کمربند و راه، افزایش سرمایه‌گذاری در معادن و ذخایر طلای افغانستان با بهره‌گیری از محیط پرتلاطم حضور طالبان در اوایل دهه ۲۰۲۰ و چرخش در سیاست خارجی اتحادیه و به‌طور کلی غرب از حمایت تسلیحاتی صرف به سمت حمایت اقتصادی از کشورهای خاورمیانه در راستای افزایش توان رقابت اتحادیه با چین و روسیه، سبب شده تا اتحادیه اروپا نقش قابل توجهی در شکل‌دهی به روندهای اقتصادی منطقه داشته باشد. کشورهای شمال آفریقا و مهم‌ترین کشور این قاره (لیبی) که تسلط بر آن منافع راهبردی ویژه‌ای در هر دو حوزه مدیترانه و شمال آفریقا دارد، تحت تسلط کشورهای عضو اتحادیه اروپاست و این به معنای افزایش تسلط بر ذخایر طلا و درعین حال بازارهای مصرف قاره سیاه است. این در حالی رخ داده است که در طی سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۳۰ با کاهش ارزش دلار در مناسبات اقتصادی جهانی، قیمت انس جهانی طلا و ارزش این سنگ قیمتی در مناسبات جهانی افزایش چشم‌گیری یافته و اتحادیه توانسته است حجم بالایی از ذخایر طلا را به بانک‌های اتحادیه اروپا منتقل سازد. هرچند روند پیر شدن جمعیت همچنان ادامه دارد اما با جذب بالای نخبگان از اورا سیا و قفقاز جنوبی و قاره آفریقا و دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی مشکل چندانی به لحاظ نیروی کار در اتحادیه اروپا به چشم نمی‌خورد. علاوه بر این جهان تا ۲۰۳۰ درگیر بیماری‌های همه‌گیر خواهد بود و فجاج بزرگی در سراسر جهان رخ خواهد داد و می‌تواند ضربات جدی به اقتصاد اتحادیه اروپا وارد سازد اما با کنترل به‌موقع همه اشکال پاندمی‌ها و واکسیناسیون

به‌موقع، اتحادیه اروپا می‌تواند الگوی موفق‌تری از مدیریت را به نمایش گذارد. در نتیجه احزاب راست افراطی و به‌طور کلی جنبش‌های ملی‌گرا و پوپولیست نتوانستند در مهم‌ترین کشورهای عضو اتحادیه به قدرت برسند و دومینوی برگزیت را ادامه دهند. سطح همگرایی بین کشورهای عضو همچنان بالاست و آلمان و روسیه هنوز از جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد اروپا برخوردار است. به‌علاوه میزان تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا نیز در سطح قابل‌توجهی رشد داشته و یکی از مهم‌ترین دلایل آن، افزایش تولیدات صنعتی و کشاورزی است.

به‌علاوه با رشد گسترده هوش مصنوعی و توسعه اقتصاد دیجیتال اتحادیه بعد از چین به مهم‌ترین قدرت در حوزه اقتصاد دیجیتال تبدیل شده است. این موفقیت مرهون قوانینی است که در سال ۲۰۱۹ میلادی وضع کرد. به‌علاوه، اتحادیه اروپا بسیار بزرگ‌تر از گذشته است در نتیجه سطح کنشگری‌اش در اقتصاد سیاسی جهانی نیز به مراتب گسترده‌تر از قبل شده زیرا ترکیه، گرجستان و آذربایجان به‌عنوان مهم‌ترین کشورهای اوراسیا، کشورهای حوزه بالکان غربی و سایر کشورهایی که زمانی در صف عضویت قرار داشتند اکنون به اتحادیه پیوسته‌اند و به همین دلیل شاهد افزایش عمق ژئوپلیتیک اتحادیه اروپا هستیم. با افزایش عمق ژئوپلیتیک اتحادیه میزان تضاد منافع آن با روسیه نیز بیشتر شده و همچنان روسیه به‌عنوان یک رقیب چالش‌گر برای اتحادیه اروپا مطرح است. به‌علاوه با توجه به همسو بودن اهداف اتحادیه اروپا با چین، هند، ایالات‌متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی، مکزیک، انگلستان و... شاهد افزایش رقابت‌های اقتصادی با این کنشگران در عین همکاری هستیم. اتحادیه اروپا هرچند در بسیاری از موارد تلاش دارد تا اتحاد غرب را حفظ کند اما سیاست خارجی مستقلی از ایالات‌متحده آمریکا دارد زیرا با کنار رفتن دموکرات‌ها در دهه ۲۰۲۰، موج جدیدی از تفکرات ترامپیستی ایالات‌متحده را فرا گرفت که سبب به وجود آمدن موج جدیدی از اختلافات بین دو سوی آتلانتیک شد. انگلستان نیز اکنون به یکی از قدرت‌های برجسته اقتصاد سیاسی جهانی تبدیل شده است. به عبارتی انگلستان اکنون بازیگردانی است که معادلات منطقه‌ای را تعیین می‌کند، هنجار سازی می‌کند و سایر کنشگران را ملزم به دنباله‌روی می‌کند. یکی از مهم‌ترین عواملی که زمینه را برای جهش اقتصادی اتحادیه فراهم ساخته نیز دستیابی به مهم‌ترین تکنولوژی‌ها در حوزه اقتصاد کم‌کربن همسو با توافقنامه پاریس است که سبب شده قادر به تأمین بسیاری از نیازهای صنایع و اقتصاد خود از طریق انرژی پاک باشد. اتحادیه اروپا، به‌طور هم‌زمان به‌اندازه‌ای به ذخایر گازی کشورهای

حوزه خزر دسترسی دارد که به لحاظ منابع گازی مشکل چندانی ندارد. با شیوع کم‌آبی در مناطق مختلف جهان و حتی وقوع کمبود منابع غذایی در مناطق مختلف، بخش زیادی از مردم مناطق مختلف درخواست مهاجرت به اروپا را دارند که این امر سبب به وجود آمدن دشواری‌هایی برای اتحادیه اروپا در هر دو بعد اقتصادی و امنیتی شده است. در حوزه ارزی نیز اکنون فرانک سوئیس و یورو به دو ارز برتر اقتصاد جهانی تبدیل شده‌اند و عملاً دلار جایگاهش به رتبه سوم در مبادلات جهانی تنزل یافته است. به‌طور کلی اکنون اتحادیه با ایجاد یک ساختار اقتصادی مدور به جای خطی، توسعه سرمایه‌گذاری خارجی، تسهیل قوانین مهاجرتی برای نخبگان و سرمایه‌گذاران خارجی به خصوص اعراب توانسته است منابع مالی بسیاری را برای توسعه جایگاه خود در اقتصاد سیاسی جهانی فراهم سازد.

مسیر کوهستانی

در طی دو دهه گذشته جهان تجربیات تلخی را در هر دو حوزه بلایای طبیعی و پاندمی‌های ویروسی پشت سر گذاشته است. به‌عبارتی در این دو دهه اقتصاد جهانی بر اساس مبارزه با انواع ویروس‌ها نظم گرفت زیرا بیماری‌ها علاوه بر اینکه خسارات زیادی به اقتصاد کشورهای عضو وارد آوردند توانستند شکل اقتصاد، ماهیت عرضه و حتی نوع نیازها را در مناطق مختلف جهان با تغییرات جدی مواجه سازند. اتحادیه اروپا نیز از این قاعده مستثنی نبود و در طی این مدت ظهور انواع پاندمی‌ها پیشروانی بود که همواره اقتصاد اروپا و منطقه یورو را دچار تحولات جدی ساخت. با این حال، علی‌رغم تلاش‌های احزاب راست افراطی و ملی‌گرا، کشورهای عضو اتحادیه که قریب به اتفاق آن‌ها حامی گفتمان دموکراسی هستند تغییرات آهسته و کوچک در عملکرد اتحادیه اروپا را ادامه دادند و به این باور رسیدند که طی کردن این مسیر دشوار و مقابله با بحران‌هایی چون بیماری‌ها و... جز از طریق تعمیق همگرایی منطقه‌ای میسر نخواهد بود. در نتیجه اتخاذ سیاست‌هایی جهت حفظ همگرایی در دستور کار قرار گرفت. به‌عنوان مثال، در جهت تعمیق بازار واحد اروپا و افزایش قابلیت‌های نظامی به دولت‌های عضو اختیاراتی داده شد. این نکته شایان ذکر است که بازگشت به رشد به هر قیمت ممکن حتی به بهای نابودی محیط زیست و مصرف افسارگسیخته در دستور کار قرار گرفت.

اتخاذ سیاست‌های اکولوژیکی و همچنین ایجاد تغییرات جدی در زنجیره تولید از جمله مهم‌ترین اقداماتی بود که انجام شد. اکنون اتحادیه در شرایطی به سر می‌برد

که هر چند توفیقات زیادی در حوزه اقتصاد دیجیتال و توسعه انواع فناوری‌های هوش مصنوعی داشته است، اما عملاً جهت حفظ خود مسیر دشواری در پیش دارد زیرا با گستردگی زیاد اعضا، عملاً به پدیده بیش از اندازه کش آمدن مبتلا شده است و همین مسئله آسیب‌پذیری‌اش را در هر دو بعد امنیتی و اقتصادی بسیار بالا برده است. با پذیرش عضویت کشورهای جدید در اتحادیه عملاً با چین به‌عنوان برترین قدرت اقتصادی جهان و ایالات‌متحده در جایگاه دوم دچار برخورد منافع شده زیرا برخی از این کشورها نقش قابل‌توجهی در ابتکار کمربند و راه چین دارند و پکن حضور کشورهای عضو اتحادیه در این کشورها را تهدیدی برای خود بر می‌شمرد. این نکته شایان‌ذکر است که موفق‌تر بودن الگوی چین و هند و روسیه در مدیریت بحران کووید ۱۹ سبب شده اتحادیه عملاً توان رقابت چندانی در بعد هنجارسازی و نوآوری در اقتصاد سیاسی جهانی نداشته باشد. علی‌رغم تلاش بسیار مقامات اتحادیه در مسیر حفظ همگرایی، شاهد آن هستیم که کشورهای عضو منافع متضادی را در مناطق مختلف دنبال می‌کنند.

انعقاد موافقت‌نامه‌های گازی با کشورهای مختلف به‌خصوص در آسیای میانه، خاورمیانه و قفقاز جنوبی سبب تشدید رقابت اعضا با یکدیگر از یک سو و با انگلستان از سوی دیگر شده است. اتحادیه در کازینوی جهانی که رشد اقتصاد دیجیتال و فناوری‌های کوانتومی ایجاد کرده است برای هم‌اوردی با چین و آمریکا مسیر دشواری در پیش دارد. سیاست‌های متغیر و پرنوسان ایالات‌متحده در برابر اتحادیه اروپا نیز فضایی از شک و تردید را در روابط دو سوی آتلانتیک ایجاد کرده است اما آنچه برای هر دو کنشگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است دفع تهدید چین است. ظهور کنشگران جدید در شرق سبب شده که سیاست‌مداران برجسته غربی همچنان لزوم حفظ جایگاه خود در اقتصاد جهانی را به‌عنوان یک ضرورت مورد توجه قرار دهند. این نکته شایان‌ذکر است که ایالات‌متحده همچنان مهم‌ترین کنشگر اقتصاد جهانی است و یوان چین هنوز نتوانسته بر دلار پیشی گیرد اما ارزهای اروپایی به‌خصوص فرانک سوئیس با توجه به اینکه در تلاطم این همه بحران در سطح جهانی همچنان پر قدرت باقی‌مانده در حال به چالش کشیدن توان دلار در مناسبات جهانی هستند. به‌علاوه همکاری نظامی چین و هند و تسلط روسیه به حوزه نفوذ شوروی سابق در منطقه قفقاز جنوبی، این کشور را تبدیل به رقیبی جدی ساخته که می‌تواند اتحادیه را در بعد انرژی به چالش کشد. در نتیجه همچنان دفع تهدید روسیه در هر دو بعد اقتصادی و امنیتی برای اتحادیه اروپا اولویت بالایی دارد. ترکیه نیز در مسیر

رشد بالایی قرار دارد. اکنون پیوستن این کشور به اتحادیه هر چند در ابعادی به خصوص در حوزه ترانزیت سبب ارتقای جایگاه اتحادیه اروپا شده است اما از آنجایی که ترکیه عملاً دنباله روی انگلستان است، اقداماتش از طرف اعضا با دیده تردید نگریسته می‌شود.

خانه کوچک

اتحادیه اروپا توانسته بر اشکال مختلف پاندمی کووید ۱۹ و سایر پاندمی‌های کشنده فائق آید و با تأکید بر همگرایی در حوزه اقتصاد سلامت عملکرد ویژه‌ای داشته باشد. اما احزاب راست افراطی و گفتمان پوپولیسم در کشورهای عضو اتحادیه اروپا به خصوص در ایتالیا و اسپانیا رشد قابل توجهی را تجربه کرده و توانسته‌اند در قدرت سیاسی جایگاهی بیابند. با سهیم شدن این احزاب در قدرت و افزایش محبوبیت آن‌ها و ترویج تفکرات ملی‌گرا یا نه و تاکیدشان بر مرزبندی‌ها و بیگانه‌ستیزی، اتحادیه اروپا صرفاً تبدیل به یک کنفدراسیون منطقه‌ای اقتصادی شده است که کشورهای عضو، این نهاد را به‌عنوان یک شاکله مستقل و قدرت‌مند که توان قانونگذاری دارد، نمی‌نگرند و صرفاً اتحادیه را به‌عنوان نمادی می‌بینند که می‌تواند بخشی از اختیارات خود را به آن تفویض کند. به عبارتی اتحادیه اروپا از یک ساختار سیاسی - اقتصادی تبدیل به یک کنفدراسیون اقتصادی شده است و کشورها جز در قالب معاهدات تجاری و اقتصادی از قوانین وضع شده توسط اتحادیه پیروی نمی‌کنند. این واگرایی در همه کشورهای عضو قابل مشاهده است و کشورهای حوزه بالکان غربی که در دهه ۲۰۳۰ به عضویت اتحادیه در آمدند نیز دچار بحران اعتماد به اتحادیه شده‌اند. کشورهای شرق اروپا نیز در یک وضعیت دوگانه در سیاست خارجی خود قرار دارند زیرا از یک سو دنبال تحکیم روابط خود با روسیه هستند و از طرف دیگر با توجه به گره خوردن منافعشان به اتحادیه اروپا نگران واگرایی احتمالی با اتحادیه هستند. به علاوه اتحادیه اکنون با سرمایه‌گذاری عظیمی که در مناطق مختلف انجام داده است، عملاً به یک قدرت برتر در حوزه گازی و همین‌طور انرژی پاک تبدیل شده که بخش زیادی از درآمد آن از طریق فروش تجهیزات تولید انرژی پاک و فناوری‌های مرتبط تأمین می‌شود. کشاورزی و سطح تولیدات اتحادیه به اندازه‌ای افزایش یافته است که دیگر نیازی به واردات محصولات کشاورزی ندارد. به عبارتی اتحادیه اروپا را می‌توان به عنوان یک اتحادیه کشاورزی معرفی کرد که با قانون‌گذاری در حوزه کشاورزی و شکل مصرف و رژیم غذایی مردم در سطح جهانی

منافع اقتصادی بسیاری کسب کرده است. علاوه بر سیاست‌گذاری در حوزه‌های کشاورزی، تجارت خارجی و... اتحادیه تمرکز ویژه‌ای نیز بر بحث توسعه فناوری‌های انرژی پاک دارد و بر مبنای سیاست‌های توافق پاریس توانسته است به اهداف مهمی در حوزه اقلیمی دست یابد. داشتن منابع آبی و خاکی مناسب نیز بر ارتقای کنشگری اتحادیه در حوزه اقتصاد جهانی افزوده است. اکنون نمی‌توان اتحادیه را به‌عنوان یک کنشگر کامل با سایر کنشگران اقتصاد جهانی مقایسه کرد؛ بلکه اتحادیه یک نهاد اقتصادی است که جایگاهش صرفاً در مقایسه با نهادهای اقتصادی دیگر در سطح جهان قابل مقایسه است. در مجموع اتحادیه اکنون یک نهاد اقتصاد محور، با قدرت بالای سرمایه‌گذاری است.

بازنده

ظهور انواع مختلف بیماری‌های ویروسی به‌خصوص شاخه‌های مختلف کووید ۱۹، آشکار شدن نقاط ضعف اتحادیه اروپا در مقابله سریع با این بحران و در مقابل موفق بودن کشورهای متکی بر الگوی اقتدارگرایی در اقتصاد به‌جای نهادگرایی، تعطیلی بخش بزرگی از مشاغل در سراسر اتحادیه اروپا، تشدید اقدامات آزادانه مردم و بسته شدن سبلیک مرزها در راستای حمایت از ملی‌گرایی، و تشدید بحران یورو و... سبب شد احزاب راست افراطی از بستر تحولات موجود استفاده کنند و به‌جایگاه ویژه‌ای در قدرت سیاسی حاکم بر کشورهای اتحادیه اروپا دست یابند. یک تأثیر فوری کووید ۱۹ تغییر ذهنیت‌ها، افزایش «ملی‌گرایی پزشکی» بود. به‌عبارتی رشد پاندمی کشورها را از ایفای نقش در یک قالب مشترک به سمت انزوا و فعالیت درون مرزها سوق داد و سبب شد کنشگران اتحادیه اروپا منافع ملی را به منافع نهادی ترجیح دهند. در عین حال، در شرایط فعلی اتحادیه اروپا به علت برخی از مسائل درون اتحادیه و در سطح بین‌المللی در حوزه‌های اقتصادی، ساختاری و امنیتی با بحران جدی مواجه است و بدهی‌های دولتی در اتحادیه اروپا مبدل به یک تهدید جدی برای اقتصادهای پیرامونی اروپا تبدیل شده است. به‌علاوه خروج انگلستان از اتحادیه و موفقیت‌هایی که این کشور در معادلات جهانی به‌خصوص در حوزه اقتصاد داشته این کشور را به الگوی موفق ملی‌گرایی برای سایر کشورها بدل ساخته و سبب شده دومینوی برگزیت با تهییج جنبش‌های راست افراطی و پوپولیست‌ها ادامه یابد. از سال ۲۰۰۰ به بعد اکثر کشورهای جنوب اروپا از سه کشور شمال اروپا (انگلیس، آلمان، فرانسه) وام گرفته و انباشت بدهی داشتند که عمده این وام از انگلستان بود. با

خروج انگلستان، این کشور نه تنها دیگر وامی به اروپا پرداخت نکرد بلکه وام‌های داده شده را نیز پس گرفت. بنابراین دو کشور شمالی (آلمان و فرانسه) دیگر توان به دوش کشیدن بار مالی جنوب اروپا (یونان، ایتالیا، پرتغال و ...) را نداشتند. در نتیجه با به وجود آمدن فشارهای جناحی در این کشورها شاهد واگرایی درون اتحادیه هستیم. به علاوه انگلستان تمام توان خود را در راستای گره زدن اقتصاد آلمان و فرانسه به خود مبدول داشته است زیرا معتقد است ایتالیا، آلمان و فرانسه می‌توانند در سطح مناطق مختلف برای انگلستان چالش‌ساز باشند. فرانسه نیز بریتانیا را به عنوان شریک دفاعی و وزنه بالقوه در برابر نفوذ آلمان قلمداد می‌کند. تشدید بحران یورو نیز سبب افزایش نارضایتی‌ها در کشورهای عضو شده و سبب شده کشورهای دیگری که در دو دهه اخیر به عضویت اتحادیه اروپا درآمده‌اند، تبعیت از قوانین اتحادیه را به عنوان فاکتوری منفی بنگرند که راه‌گریز از آن، فرار از ساختارهای موجود و افزایش ملی‌گرایی در حوزه اقتصادی است. بحران بی‌اعتمادی به اتحادیه اروپا در سراسر اروپا موج می‌زند و ای لیبرالیسم به یک خوانش جدی در اروپا تبدیل شده است. افزایش مهاجران هرچند برای کشورهای عضو فرصت‌های بیشماری به وجود آورده است اما عملاً بار اقتصادی زیادی را بر دوش این کشورها گذاشته و زمینه را برای گسترش بحران‌های امنیتی فراهم ساخته است. رقابت آلمان، ایتالیا و فرانسه در منطقه آسیای مرکزی کاملاً مشهود است. به علاوه در شمال آفریقا نیز کشورهای عضو اتحادیه از جمله اسپانیا، فرانسه، آلمان و ایتالیا در تلاشند تا سهم بیشتری از منابع موجود در منطقه را روانه کشورهای خود سازند. فرانسه در آسیای میانه پیش‌تاز است و شاهد افزایش قدرت فرانسه در افغانستان و پاکستان هستیم که این امر سبب رقابت‌های اقتصادی بین فرانسه و هند شده است. به علاوه چین از فرصت واگرایی به وجود آمده در اتحادیه اروپا بیشترین بهره‌برداری را کرده و توانسته است با قدرت‌های برتر اتحادیه به صورت مجزا وارد معاملات اقتصادی شود. اکنون در حوزه اقتصاد دیجیتال و صنایع، کشورهای عضو اتحادیه اروپا دنباله‌روی چین هستند و واگرایی موجود سبب شده تا اتحادیه اروپا در بین قدرت‌های مطرح در اقتصاد سیاسی جهانی در جایگاه هفتم بعد از چین، آمریکا، هند، مکزیک، اندونزی و ژاپن قرار گیرد. به علاوه شاهد آن هستیم که سازمان‌های منطقه‌ای مثل آسه‌آن با حمایت چین در مسیر رشد قابل توجهی قرار گرفته‌اند و اکنون قابل مقایسه با اتحادیه اروپا هستند. یکی دیگر از مسائل موجود، رشد قابل توجه خوانش‌های ترامپیستی در ایالات متحده آمریکا است که سبب واگرایی دو سوی آتلانتیک شده است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد با مروری بر پیش‌شران‌ها، فاکتورهای کلیدی و درنهایت طراحی سناریوها تصاویری از آینده اتحادیه اروپا ارائه گردد. در بین سناریوهای مطرح شده سناریوی جهان مطلوب سناریوی محتمل است زیرا روندهای سرمایه‌گذاری خارجی، رشد تکنولوژیک و افزایش نفوذ اتحادیه در مناطق دارای پتانسیل جمعیتی و منابع غنی انرژی و... گویای روند ارتقای توان اقتصادی اتحادیه در طی سال‌های آتی هستند. اتحادیه در ۲۰۵۰ کنشگر اقتصادی-سیاسی بسیار مهمی خواهد بود که فاکتورهای گاز، طلا، فناوری‌های هوش مصنوعی و اقتصاد دیجیتال، تولیدات پزشکی، محصولات بکر کشاورزی و داشتن دو ارز برتر جهانی نقش مهمی در ارتقای جایگاه آن خواهند داشت. همان‌طور که مطرح شد یکی از مهم‌ترین پیش‌شران‌ها که در این مسیر نقش بارزی خواهد داشت پیش‌شران سیاست هم‌سایگی اتحادیه اروپا است که بر اساس آن اتحادیه اروپا به‌عنوان یک بازیگر واحد در تلاش خواهد بود خود را در نقش یک بازیگر هنجارساز بر مبنای عناصر هویتی خود معرفی کند و به‌وسیله ابزار اقتصادی نرم‌های مطلوب خود را در کشورهای هم‌سایه نهادینه سازد تا از طریق هژمون شدن در منطقه منافع امنیتی و اقتصادی خود را پیگیری کند. این مهم علاوه بر توسعه گسترده نفوذ اتحادیه در محیط پیرامونی از سطح آسیب‌پذیری اتحادیه از جانب کشورهای پیرامونی نیز می‌کاهد. به نظر می‌رسد در دورنمای مذکور شاهد افزایش کنشگری اتحادیه در مناطق مختلف باشیم. همان‌طور که در بخش پیش‌شران‌ها و سناریوها مطرح شد در دستیابی به هدف مذکور دو عامل برای اتحادیه اروپا از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند که عبارت‌اند از تأمین نیروی انسانی و منابع گازی؛ دو عاملی که نقاط قوت جمهوری اسلامی ایران هستند بنابراین جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از این دو نیاز ویژه اتحادیه اروپا برای خود سکوی پرشی در مسیر رشد اقتصادی ایجاد کند و با برنامه‌ریزی جامع در راستای توسعه خطوط ترانزیتی به اروپا، سرمایه‌گذاری در توسعه زیرساخت‌های گازی و بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی هوشمندانه گام بردارد.

منابع

- ≠ شفيعی نوذر(۱۳۹۹). تجزيه و تحليل نقش اروپا در بازی بزرگ ايندو-پاسيفيک. فصلنامه روابط خارجی، ۱۲(۳)، صص ۳۶۷-۴۰۰.
- ≠ مجیدی محمدرضا(۱۴۰۰). راهبرد ترکیبی؛ دستور گازی اتحادیه اروپا در قبال روسیه. فصلنامه روابط خارجی، ۱۳(۲)، صص ۲۳۳-۲۶۷.
- ≠ مسعودی حیدر علی(۱۴۰۰). تعامل قدرت و تجارت در سیاست تجاری ۲۰۲۱ اتحادیه اروپا و پیامدهای آن بر روابط تجاری ایران. فصلنامه روابط خارجی، ۱۳(۳)، ۴۶۹-۴۳۵.
- ≠ Bureau of Economic Analysis. "Value Added by Industry." Accessed Dec. 23, 2020.
- ≠ Business today (2020). "India to become third-largest economy by 2050: Lancet". Retrieved from: <https://www.businesstoday.in/current/economy-politics/india-to-become-third-largest-economy-by-2050-lancet/story/418496.html>
- ≠ Borrell, J. (2020). The post-coronavirus world is already here. *Politique Etrangere*, (2), 9-23.
- ≠ Cooper, Price water house (2017). "13. The World in 2050-The long view: how will the global economic order change by 2050."
- ≠ Chadwick(2020), 'The future of the European project is at stake': EU in crosshairs of coronavirus pandemic, www.euronews.com/2020/03/27/the-future-of-the-european-project-is-at-stake-eu-in-crosshairs-of-coronavirus-pandemic, • last updated: 27/03/2020
- ≠ Cercas, Javier, (2020), "The EU Was Created to Keep Nationalism in Check, Coronavirus is a Dangerous Test", 30 March 2020, available at: <https://www.theguardian.com/books/2020/apr/15/the-eu-was-created-to-keep-nationalism-in-check-coronavirus-is-a-dangerous-test>.
- ≠ CIA World Factbook. (September. 20, 2020). "RUSSIA," Retrieved from: <https://www.cia.gov/the-world-factbook/countries/russia/>
- ≠ Di Pane, J(Jun 8th, 2021)."Why This Dispute in South China Sea Matters to America". The Heritage Foundation. Retrieved from: <https://www.heritage.org/asia/commentary/why-dispute-south-china-sea-matters-america>
- ≠ Eurostat(21, April 2021). "Western Balkans-EU - international trade in goods statistics". Retrieved from: <https://ec.europa.eu/eurostat/statistics->

explained/index.php?title=Western_Balkans-EU_-_international_trade_in_goods_statistics&oldid=542024

- ≠ European Parliament, Resolution on the State of EU-US Relations, P8_TA(2018)0342, September 12, 2018, adopted by 490 votes to 148, with 51 abstentions
- ≠ EU Energy Outlook 2050 – How will Europe evolve over the next 30 years?. Retrieved from: <https://blog.energybrainpool.com/en/eu-energy-outlook-2050-how-will-europe-evolve-over-the-next-30-years/>
- ≠ ELISABETH BRAW(۲۰۲۰), As the west panics, Putin is Watching. Foreignpolicy,foreignpolicy.com/۲۳/۰۳/۲۰۲۰/as-the-west-panics-Putin-is-watching.
- ≠ Galloway, L (2020). “Five superpowers ruling the world in 2050”. Retrieved from: <http://www.bbc.com/travel/story/20200322-five-superpowers-ruling-the-world-in-2050> Germain, R. (Ed.). (2016). Susan Strange and the future of global political economy: Power, control and transformation. Routledge
- ≠ Ischinger, W. (2020). World in Danger: Germany and Europe in an Uncertain Time. Brookings Institution Press.
- ≠ Johnston, A. (2016). From convergence to crisis: Labor markets and the instability of the Euro. Cornell University Press.
- ≠ Jakkie Cilliers(2020),African Futures 2050, Institute for Security Studies, In association with the Pardee Centre for International Futures, University of Denver.
- ≠ Kupchan, C. (2010). As nationalism rises, will the European Union fall? The Washington Post, 29.
- ≠ Keohane, R. O. & Nye, J. S. (1997). Interdependence in world politics. The Theoretical evolution of international political economy: a reader, 122-140.
- ≠ König, J. & Ohr, R. (2013). Different Efforts in European Economic Integration: Implications of the EU Index. JCMS: Journal of Common Market Studies, 51(6), 1074-1090.
- ≠ Magdaleno, Cristina (2020), "Chomsky on COVID-19: The Latest Massive Failure of Neoliberalism", 6 May available at: <https://www.euractiv.com/section/economy-jobs/interview/chomsky-on-covid-19-the-latest-massive-failure-of-neoliberalism>
- ≠ Mete(2019),Gökçe Energy Transitions and the Future of Gas in the EU, Subsidise or Decarbonise .palg

- ≠ Milner, H. V. & Moravcsik, A. (Eds.). (2009). Power, interdependence, and nonstate actors in world politics. Princeton University Press.
- ≠ Moravcsik, A. (1997). Taking preferences seriously: A liberal theory of international politics. *International organization*, 51(4), 513-553.
- ≠ Monnet, J. (1978). *Memoirs*. Translated by Richard Mayne. Garden City, NY: Dou.
- ≠ Pochet(2020), Philippe ,Four scenarios for Europe’s future after the crisis www.socialeurope.eu/four-scenarios-for-europes-future-after-the-crisis, on 30th April 2020
- ≠ REUTERS. (2017). “Germany’s Gabriel Says EU Break-up No Longer Unthinkable.” January 7.
- ≠ REUTERS. (2018). *Mergers and Acquisitions Review*. Accessed January 13, 2020. <http://prod-uppimage-read.ft.com/3b08df8e-cf53-11e8-a9f2-7574db66bcd5>.
- ≠ Schmieding(2020). Holger, Kallum Pickering and Florian Hense, *Economical Matters Previous Next Coronavirus: Scenarios for Europe The globalist*,<https://www.theglobalist.com/europe-coronavirus-covid19-pandemic-health-eurozone>. March 14, 2020 .
- ≠ Trading economics(2021), United Kingdom GDP per capita Retrieved from: <https://tradingeconomics.com/united-kingdom/gdp-per-capita#:~:text=GDP%20per%20>.
- ≠ Trading economics(2021),Eu Industrial Production. Retrieved from: <https://tradingeconomics.com/euro-area/industrial-production>
- ≠ The Economist(2020),Long-term macroeconomic forecasts, Key trends to 2050, A special report from The Economist Intelligence Unit.
- ≠ Tighe(2019). Steve, *Rethinking Strategy; How to Anticipate the Future slow Down Change and Improve Decision Making*, John Wiley& Sons Australia, National Library of Australia.
- ≠ Tom Orlik and Bjorn Van Roye,www.bloomberg.com/graphics/2020-global-economic-forecast-2050, November 12, 2020, An Economist’s Guide to the World in 2050.
- ≠ Vasileios Vlachos · Aristidis Bitzenis(2019), *European Union Post Crisis Challenges and Prospects for Growth*, Palgrave Macmillan. ISBN 978-3-030-18103-1
- ≠ Verhofstadt, G. (2017). *Europe's Last Chance: Why the European States must form a more perfect union*. Hachette UK.